بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین و له الحمد انَّه خیرُ ناصر و معین

خدای متعال رو شاکرم و شاکریم که باز هم این توفیق رو به ما داد که به مناسبتی دیگر و با سوره ای دیگر ودر زمانی دیگر سر سفره ی کلام شریف و مجید و کریمش مهمان بشیم و از همین جلسه ی اول خاضعانه از درگاه حق استدعا می کنم که هر آنچه ما در این جلسه میگیم و هر آنچه می شنویم و این زحمت آمدن و رفتن و گرفتاری و وقت و هزینه و همه ی اینها رو خداوند متعال برای خودش و در راه خودش قرار بده ان شاءالله و در اون روزی که لا یَنفَعُ مالُ و لا بَنون اِلاّ من اَتی الله بقلبِ سلیم هست ما ان شاءالله ببینیم اینکه این نشستن ما سر سفره ی سوره مبارکه احزاب مثل یک طبقی از نور ان شاءالله به ما داده میشه و در اون روز ان شاءالله مورد رحمت و عنایت و مغفرت خداوند قرار می گیریم ان شاءالله.

قبل از اینکه وارد آیه شریفه ۱ بشیم به رسم معهود یه نکاتی رو راجع به مشخصات سوره مرور بکنیم که ببینیم این سوره وضعیتش چجوره و یک نمای کلی ازش بدیم و بعد ان شاءالله وارد آیه اول بشیم.

در مورد سوره مبارکه احزاب در مورد آمارش پنج نکته رو عرض بکنم:

سوره مبارکه احزاب ۷۳ آیه داره ۱۳۰۷ کلمه داره و ۵۷۸۷حرف که قبلا در سوره های مختلف عرض کردم خدمتتون در بحث کلمات و حروف یک اختلافاتی وجود داره یعنی گاهی اوقات شما مثلا جستجو بکنید ممکنه یه جایی ببینید تعداد کلمات و حروف متفاوت است؛ این به چی بر می گرده؟ به نوع شمارش کلمات، گاهی اوقات "و" رو با کلمه با هم حساب می کنند این تاثیر می گذاره در حروف هم همینطور هست، حروف والی و اینها یا حروف مقصوره و ممدوده و... اختلاف میشه حالا ما یک قول رو انتخاب کردیم سر این اختلاف هست.

نزول سوره مبارکه احزاب به جهت نزول نودمین سوره ای است که نازل شده بر قلب نازنین پیامبر عزیزمون صلوات الله علیه، قبلش سوره مبارکه انفال نازل شده و بعدش سوره مبارکه مائده؛ یعنی بین انفال و مائده، احزاب بوده. این نودمین سوره به جهت نزول هست که باز عرض می کنم ما در بحث نزول هم اختلافاتی داریم الان من به شما میگم اولین سوره ای که نازل شده چیه؟ همه میگید سوره علق؛ در حالی که برخی معتقدند اولین سوره ای که نازل شده سوره حمد هست با اینکه اغلب میگن سوره مبارکه علق هست و آیه اِقرَا بِاسم رِبّک الذی خلق هست ولی می خوام بگم یک کسی هم معتقد به سوره حمد هست و لذا اگه یه جا مواجه شدین با اینکه به جهت چینش سوره مبارکه احزاب رو مثلا بعد نود گفته بود یا قبل نود گفته بود خیلی تعجب نکنید. به جهت چینش در قرآن کریم سوره ی سی و سوم هست سوره مبارکه احزاب؛ این یک نکاتی در مورد آمار این سوره و مشخصات کلی و عدد و رقمی اش.

اما مطلب دوم درباره ی مکان و زمان نزول هست.

پاسخ به سوال: بر اون اساسی که پیغمبر فرمودند یعنی حضرت خودشون آوردند و این رو هم بگم اونایی که شاید نشنیدید؛ جمع آوری قرآن در زمان پیامبر، توسط پیامبر، زیر نظر پیامبر انجام شده تمام. در زمان برخی از خلفا اختلاف نظرهایی برخی کردند نسخ رو آوردند امیرالمومنین علیه السلام هم فرمود: این همون

نسخه ای هست که پیغمبر فرموده تمام. این حرفی که برخی می زنند که اومدند جمع کنند و نظرات مختلف شد و بعد چه شد بعد از اینجا می گیرند تا حالا اینکه دست ما رسیده همون اصلیه بوده یا نبوده! با اطمینان کامل خدمت شما عرض می کنم جمع آوری قرآن کریم در زمان حضرت و توسط خود حضرت انجام شده.

پاسخ به سوال: حتی سوره بندی ها، یعنی چون که سوره ها که یکجا نازل نمی شده خیلی ها خصوصا سوره های بزرگ، بخش بخش می اومده؛ وقتی می خواسته نازل بشه حضرت می فرمودند که: اینی که الان داره میاد ادامه ی مثلا سوره مبارکه آل عمران هست که اون حفاظی که حفظ می کردند و قرّایی که می خواندند و کتّابی که می نوشتند بدانند که این ادامه ی کدوم هست. بعد که جریان ۲۳ سال تمام میشه و حضرت با اینکه گفته بودن باز هم میگن حالا همه رو بیارید؛ حضرت میگن به این ترتیب اینجوری چیده بشه که یه وقتی بین حفّاظ و قرّاء و کتّاب اختلافی به وجود نیاد.

مکان سوره مبارکه احزاب مدینه هست؛ ما گفتیم مکی و مدنی بودن رو از کجا می فهمیم؟ از محتوای سوره ها، خیلی به روایاتی که میگن کدوم سوره مکیه و کدوم سوره مدنی کاری نداریم. چون به شدت اختلاف هست؛ یعنی دو تا روایت درجه یک هست نگاه می کنیم یکی میگه مکی هست و دیگری میگه مدنی! ما نگاه می کنیم به محتوای سوره. سوره هایی که در آن صحبت از توحید و نبوت ومعاد وکلیات ایمان و اینهاست و اصول هست اونها مکی اند؛ اون سوره هایی که وارد حوزه احکام می شوند خب شما در مکه احکام بگی که چه بشود؟! حکومت داری؟! بله ابتدائیاتی هستند که بخواد در مکه بیاد اما حتی نماز و کیفیت نماز و تعداد رکعات نماز در مدینه نازل شده. سال نزول، سال پنجم هجرت بوده، آنچه که حالا بیشتر گفته میشه و معروفتر هست.

وجه تسمیه این سوره به احزاب به چی هست؟ یعنی برای چی اسم این سوره رو گذاشتن سوره احزاب؟ در این سوره جریان جنگ احزاب مطرح شده که ان شاءالله آیات ۲۰ و ۲۲ اگر عمری باقی بود در موردش بیشتر گفتگو خواهیم کرد و این بحث تاریخی هم یه مقدار خواهیم شکافت که به نظرم خوبه ماها به مناسبتی تاریخ اسلام رو خوب یاد بگیریم؛ یعنی گاهی اوقات یه چیزی گفته میشه از کنارش رد میشیم؛ آقا این آیه در چه بستری نازل شده و اون موقع مگر پیغمبر در چه وضعیتی بوده و بعد خصوصا در این سوره ما به یک آیاتی می رسیم که باید دعوا بکنیم که چرا برخی با بی اطلاعی این آیه را اینقدر بد معنا کردند و ساحت منزه پیامبر عزیز ما رو به یک چیزی آغشته کردند که مطلقا شانیت نداره که اشاره خواهم کرد. در آیات ۲۰ و ۲۲ کلمه ی احزاب تکرار شده و اومده اما از آیه ۹بحث جنگ احزاب مطرح هست، که اومدن کفار و بعد اینکه مومنین دچار این سوال میشن که پس چه خبره؟ ! چرا خدا کمک نکرد؟! پس چی می خواد بشه ما داریم از بین میریم و الی آخر. پس وجه تسمیه هم اومدن کلمه ی احزاب و موضوع جنگ احزاب در آیات ۲۰ و ۲۲و هم موضوع جنگ احزاب از آیه ۹ به بعد که خب مفصل ان شأالله بهش اشاره خواهیم کرد.

غُرر آیات: غرر یعنی چی؟ کلمه ی غرر یعنی چی؟

یکی از قواعد کلاس هم که معمولا هیچ کس رعایت نمیکنه اینه که هر کس میخواد فرمایشی داشته باشه از ید مبارکه استفاده بکنه که بهش خمس تعلق نگیره. کی جواب میده؟ گوهر نمیشه اون کلمه جوهر هست که میشه گوهر.

غرر جمع چیه؟ غرر جمع غرّه است؛ غرّه به چی میگن؟ سفیدی پیشانی گوساله رو که باعث درخشندگی و بروزش میشه، عرب به این میگه غرّه و جمع غرّه میشه غرر. غرر آیات یعنی چی؟ یعنی آیاتی که خیلی درخشندگی و تلالوء دارند به عبارتی آیاتی که انگار از اهمیت خاص تری برخوردارند انگاری یک چیزی توشون گفته شده که باید بهش بیشتر توجه کرد. غرر برجسته نیست، خود غرر جمعه غرّه است بعد اینکه حالا غرّه آیات یعنی چی معناش اینجا میشه برجستگی با سه تا واسطه. در این آیه حالا وقتی نگاه کردم مهمترین هاش اینها هستند آیات دیگری رو هم برخی نام برده بودند.

۱-آیه اُمّهات که آیه ی برجسته ای هست که آیه ۶ هست که اشاره میکنه به اینکه همسران پیامبر اُمّهات المومنین هستند که بعد اونجا میگیم اُمّهات یعنی چی

۲-آیه ی تأسّی: آیه تأسّی یعنی چی؟ آیه "ولکم فی رسول الله اُسوَةٌ حسنه"به این میگن آیه تأسّی. آیه۲۱

۳-آیه تطهیر: که دیگه گمان میکنم یه بیست سالی از اینکه شما بلدین گذشته باشه دیگه. "اِنّما یُریدُالله لِیُذهِبَ عنکم الرجس و یُطهرکم تطهیرا "آیه۳۳

۴-آیه خاتمیت که اشاره میکنه به "و لکن رُسول الله و خاتَمَ النَبییّن"در مورد پیامبر نازنینمون صلوات الله علیه هست. آیه ۴۰

۵-آیه صلوات: " اِنَّ الله و الملائکةٌ یّصُلّون علی النبی یا ایّها الذین آمنوا صَلّوا علیه و سَلّموا تسلیما"آیه ۵۶

۶-آیه حجاب، که آیه ۵۹ هست؛ "یا اَیُّها النبی قل لِازواجکَ و بَناتِکَ و نِساءالمومنین یُدنینَ علیهنَّ من جلابیبهنَّ... "

۷-آیه امانت هست، اِنّا عَرَضنا الامانت علی السماوات و الارض و الجِبال فَاَبَینَ اَن یَحمِلنَها و اَشفَقن مِنها و حَملَها الاِنسانُ اِنَّه کان ظلوما جهولا"آیه ۷۲به این آیه میگن آیه امانت.

به نظر میرسه غرر آیات این هفت تا باشه. حالا برخی ها میگن آیات دیگه هم هست که اونها هم خیلی مهم اند که کسی منکر اهمیت نیست به جهت برجستگی گفتیم.

فضیلت قرائت این سوره

در روایاتی که اشاره کرده بودند به فضیلت قرائت این سوره سه تاش به نظرم جلب توجه می کرد:

۱- اینکه این سوره خونده شدنش بالاسر محتضر توصیه شده تا دادن جان برای او آسان بشه؛ لذا کسی که محتضر به جای اینکه بشینید بگید بابا جون داری میری کجا میری؟ خب مشخصه کجا میره

داره میره عالم برزخ این الان سواله می پرسی شما؟ براش یه چیزی بخون آدم بی سلیقه به همین میگن؛ نگاه میکنه بابا جون داری میری چقدر بهت گفتم اون دوچرخه رو برام بخر نخریدی الان چه احساسی داری از این؟! بابا اون لحظه آخر هم داره شماتت میکنه میت رو! این اخلاقهای بعضی ها. محتضره بالا سرش قرآن بخونید یکی از سوره هایی که گفتند سوره مبارکه احزاب هست.

۲- یکی از فواید این سوره که در روایات اومده امنیت از عذاب قبر هست. یعنی کسی که میخواد شب اول قبر از عذا و فشار و سختی قبر در امان باشه توصیه شده که سوره مبارکه احزاب رو بخونه. یک نکته رو هم یادم رفت بگم تو تابستون که در طول سال هم این شکلیه ما یک سوره رو که تموم می کنیم اونهایی که حفظ کرده باشند بهشون یک هدیه ای می دهیم؛ لذا کسانی تا جلسه آخر بتونند این سوره رو حفظ بکنند ما یک جلسه مونده به جلسه آخر آزمون می گیریم ازشون آزمون حفظ، کسانی که سوره رو با کلاس حفظ کنند اونهایی که قبلا حفظ بودند نه یعنی روغن ریخته رو نذز امامزاده نکیند با این کلاس اگر حفظ بکنید سوره مبارکه احزاب رو جلسه آخر ان شاءالله یک هدیه ناقابلی هم تقدیمشون خواهد شد. اونهایی که از عذاب قبر می خواهند در امان باشند این سوره را بخونند.

۳- روایت میگه فکر میکنم از امام صادق علیه السلام هست، کسی که این سوره رو بخونه در قیامت با پیامبر و خاندانشون همنشین میشه اگر سوره احزاب رو بخونه که ان شاءالله ما توفیق داشته باشیم. این از مشخصات کلی سوره و مقدماتی که باید بهش اشاره می کردیم. بریم سراغ آیه شریفه ۱.

می فرماید: یا ایها النبی ای پیامبر اِتّق الله از خدا پروا کن، از خدا بترس ولا تُطع الکافرین و المنافقین از کفار و منافقین هم اطاعت نکن اِنّ الله کان علیما حکیما خدا علیم و حکیم هست.

از عبارت یا ایها النبی شروع بکنیم؛ خود همین یا ایها النبی، پنج مطلب به نظر میرسه در موردش قابل ذکر هست که باید بهش اشاره کرد.

۱-تفاوت "یا" با "یا ایها" در ندا؛ در زبان عربی وقتی می خوان کسی رو صدا کنند از ادات ندا استفاده می کنند، ادات ندا چی ها هستند؟ اولینش و شایع ترینش همین "یا" هست. الان ما اگر که بگیم "یا مثلا فلانی" و بگیم "یا ایها الفلانی" چه فرقی با هم میکنه؟ یا ندای معمولی هست مثلا یه کسی رو عادی صدا بکنیم میگیم "یا فلانی" وقتی عرب میگه "یا ایها" این ندا به عبارتی به اون مخاطب منحصر نمیشه؛ یعنی یک وقت من می خوام یه مطلبی به ایشون بگم مخاطبم ایشون هستند ولی منظور من فقط ایشون نیست اینجا از "یا" استفاده نمی کنم حتما میگم "یا ایها" تا توجه بقیه هم جلب بشه؛ به نوعی وقتی "یا" با "ایها" با هم میاد میگن این ندا مُزیل غفلت هست یعنی غفلت رو از بین می بره یعنی بقیه نمیگن که گفتن "یا فلانی" وقتی "یا ایها" گفتن همه میگن برای چی اینطور داره خطاب قرارش میده؟ چه مطلبی هست؟ بقیه هم نسبت به موضوع یه واکنشی دارند "یا ایها" اینطوری به کار میره؛ لذا اینکه پیامبر رو اینطور صدا میکنه میخواد به مردم بفهمونه که موضوعی که مورد خطاب دارد قرار می گیرد فقط مال پیغمبر نیست. "یا ایها النبی" فلان کار رو بکن خب الان داری به پیغمبر میگی بقیه هم دارند می شنوند شماها هم حواستون باشه

این فقط پیغمبر نیستش که بعدها خواهید دید که نوع دستوراتی که در این آیات داده شده دستورات اختصاصی نیست که بگیم آقا فقط اینه و لاغیر.

پاسخ به سوال: در خطاب هایی که به پیغمبر میشه ما سه جور خطاب داریم:

۱- خطابی که به پیغمبر هست و به غیر پیغمبر نمی خوره فقط مال اوست اختصاصی هست مثل" یا ایها المزّمِل قُم اللیل الا قلیلا"نماز شب فقط بر پیامبر واجب شد.
۲- یه وقت یک چیزی رو به پیغمبر میگیم هم مخاطب اوست و هم غیر اوست مثل همین آیه یا ایها النبی اتق الله. تقوا فقط مال پیغبره؟ خانم شما تقوا نیاز نداری؟ !نه دیگه چون فقط به پیغمبر گفتن ما مرخصیم!نه همه مومنین
۳- گاهی اوقات یک چیز به پیغمبر میگیم اصلا مخاطبش پیغمبر نیست غیر او هستند مثال و بالوالدین احسانا آیه وقتی نازل شد که پیغمبر نه پدر داشت و نه مادر، نه پدربزرگ و نه مادربزرگ کدوم والدین؟ !و بالوالدین احسانا به پیغمبر گفته شده اما موضوع اصلا پیغمبر نیست اصلا، پیغمبر از این بحث تخصیصا خارجه چون پدر و مادر و پدربزرگ و مادربزرگ رو همه رو قبل از دست داده. به خاطر شانیت پیغمبر هست ما در آیات مختلف دیدیم گاهی اوقات خدا به کفار میرسه غایب به کار می بره میگه خب خدایا این کفار رو میگی بگو ای کفار خدا میگه من کفار رو خطاب قرار نمیدم میگه ای اونهایی که این کارها رو می کنید خب اینها الان اینجا هستند که، خدا میگه اینها ارزش ندارند که من مستقیم بهشون بگم. وقتی خدا به پیغمبر یک چیزی رو خطاب قرار میده، میزان اهمیت موضوع از آنچه که عامه ی مومنین رو خطاب قرار میده بیشتره که خود حضرت خطاب قرار گرفته؛ حالا اینکه اینجا چه اهمیتی داره الان خواهید دید که خدا میخواد چه سنگ بنایی رو بذاره که این رو گفته و بعد خواهم گفت چند بار هم تکرار کرده در همین سوره.

پاسخ به سوال: وقتی میگیم یا ایها الناس، ناس مورد خطابه در مورد پیغمبر گاهی اوقات خطاب به پیغمبره ولی موضوع کس دیگه هست در یا ایها الناس این اتفاق نمیفته. اگه بگه یا ایها الناس بیشتر حواس مردم رو جمع میکنه تا بگه یا ناس میخواد اینجا بگه مردم خیلی حواستون جمع باشه، خدایا چی میخوای بگی میگی یا ایها الناس! البته نگاه می کنید غالبا با یا ایها است، قرآن امر عادی و معمولی رو خبر نمیده.

خب می گفت یا ایها الرسول چرا یا ایها النبی گفت فرقش چیه؟ یا ایها النبی با یا ایها الرسول فرقش چیه؟

ببینید یک موقع رابطه ی پیامبر با خداست یا رابطه ی پیامبر با مردم هست. اگه رابطه، رابطه ی پیامبر با خداست پیغمبر اینجا چیه؟ نبی و اگه پیغمبربا مردم است میشه؟ یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک به مردم اما پیغمبر با خدا نبی و گیرنده خبر هست و دهنده اش به مردم هست اینجا مقام، مقام رابطه ی پیغمبر با خداست؛ یا ایها النبی اِتّق الله لذا نمیگیم یا ایها الرسول، مقام، مقام رساندن چیزی به مردم و ارسال پیغمبر به سوی مردم و گفتن یک مطلبی به مردم نیست؛ مقام رابطه ی او با خود خداست لذا میگیم یا ایها النبی. در تمام آیات قرآن دقت بکنید این طرافت هست که خدا اینجا میگه یا ایها النبی جای دیگه میگه یا ایها الرسول چطوری بوده؟ !همش با حساب کتابه اینطور نیست که خدا گفته سه چهار تا یا ایها

النبی گفتیم حالا چند تا هم یا ایها الرسول هم بگیم که مثلا درست بشه، جنس که نمی خواسته جور کنه که!

پاسخ به سوال: موضوع، موضوع رابطه معبود و عابد هست حالا اینجا میگه معبود خداست و عابد اینجا پیامبر هست.

پاسخ به سوال: اگر گفتیم قول یعنی حالا اون نبا رو بگو این رو از ما بگیر نبا رو ابلاغ بکن. اگر که یک جایی خداوند نبی رو مورد یه خبری قرار بده یعنی یه نبایی به او برسونه بعد بگه این نبا رو برو بگو تا اونجایی که بهش قول رو میده نبی هست بعد که میگه برو بگو میشه رسول؛ یا ایها النبی تا اینجا نبی هست دیگه که مثلا نبا اینکه از الان باید زن های مسلمان این جلباب ها رو به خودشون نزدیک بکنند تا اینجا بحث، بحث نبا هست از خدا به رسول در ادامه اش قل، دیگه کلمه رسول رو نمی تونیم به کار ببریم تا قبل از قل مقام، مقام نبوت هست مقام رسالت نیستش شما میگید بعدش حضرت رفته ابلاغ کرده میگم آره تا قبل از قل، تا قبل از قل پیغمبر نبی هست. تا قبل از قل رابطه ی پیغمبر با خداست یا با مردم؟ با خداست چون خدا داره نبا واجب شدنه بخشی از حجاب رو به پیغمبر میده میشه یا ایها النبی؛ در آیه بلّغ ما انزل الیک من ربک بحث غدیر کی گفته شده بود؟ خطبه ی و انذر عشیرتک الاقربین دقیقا بیست سال قبل پس وقتی این آیه بلغ ما انزل الیک من ربک رو میگه پس رسول هست داره ابلاغ میکنه؛ بحث اینکه امیرالمومنین باید به عنوان خلیفه معرفی بشود مال کی بوده مال بیست سال قبل بوده پس چیز جدیدی، نبا جدیدی در کار نیستش.

در مورد تفاوت های نبا و رسول نظرات مختلف رو گفتیم تهش گفتیم رسول ارسال شده است و نبی خبردهنده است هر خبردهنده ای رسول نیست.

۳. آقا چرا اسم پیامبر رو نمیگه؟ برای چی میگه یا أیّها النّبی. ما در قرآن داریم یا آدم. داریم یا نه؟ یا آدمُ أنبِئهُم بأسمائِهِم. خب داریم. یا ابراهیم داریم؟ بله. یا نوح داریم؟ بله. یا نوحُ اهبِط بِسَلامٍ. یا موسی داریم؟ بله یا عیسی داریم؟ آره. حالا غیر از اولوالعزما. یا یحیی داریم؟ آره. ولی هیچ وقت نام پیامبر ما مورد خطاب اینگونی قرار نگرفته. خب. چرا؟ اوج احترام به پیامبر نازنین ما اینه که حتی خدا اسم او رو با «یا» نمیاره. بعد شما می بینی که خدا یه جا به مردم هم میگه بابا پیامبر رو صدا نکنید اونجوری که همدیگر رو صدا می کنید. آخه چی فکر می کنید شما؟ که میگم واقعا اون سوره حجرات رو گفتن، به نظرم یه چیزی میخواد، یه همچی دنده پهنی ای میخواد که آدم گریه ش نگیره تعریف کنه. از راه میومد؛ اصلا امیدوارم اینا دروغ باشه. از راه میومد. مثلا چطوری فلانی؟ بعد مینشست. پاش رو دراز میکرد سمت پیغمبر که توی راه که اومدم، راه طولانی بوده، ناخنام بلند شده، اینا رو بگیر. خطاب به پیامبر. بعد حضرت مثلا یه جا داره..... آی مثلا فلانی! با پیغمبر حرف میزدن، داد میزدن سر پیغمبر. همینجور آره فلانه! همینجور هی میگی اونجوری که نمیشه که همش که تو. آقا! شما یه معلم داره میره، کار داشته باشید، از پشت صداش نمیکنین. بدوبدو میرین. نزدیکش که میشید، یه کم هم پشت سرش صبر میکنید که نفستون جا بیاد. همینجوری بعد میگید که مثلا عذر میخوام. کنارش که قرار میگیرید تازه معذرت خواهی میکنید. از پشت سر میگه آقای فلانی

وایسا کار دارم. این هفته آینده کلاس شما برگزار میشه یا نه؟ کلاست مثلا برگزار میشه یا نه؟ خیلی خب. برو مثلا. واقعا اینجوری؟ شما میخندید الان چون خیلی بی تربیت باید باشه یه کسی اینجوری برخورد بکنه. این برخورد عادی اینا با پیغمبر بود. برخورد عادیشون. امیدوارم بقیه چیزایی که توی تاریخ گفتند، همش دروغ باشه. یعنی ساخته باشن که حرمت پیغمبر رو بزنن. ولی به این فکر کنید اگر قضیه عمیق نبود، خدا سوره نازل نمیکرد. آقا پیغمبر رو اینجوری مورد خطاب قرار..... یه کم ادب داشته باشین. خدا که خداست، نام پیامبر نازنین و عزیز ما رو به عنوان خطاب نمیاره. همه یا أیّها النّبی، یا أیّها الرّسول. اوج احترام و تکریم و تعظیم رو خودِ خدا نسبت به پیغمبر به جا میاره. اوجش رو.

در قرآن چندبار نام پیامبر عزیز ما اومده؟ (۵ بار) کی گفت ۵بار؟ اشکال نداره نمیخوایم برخورد کنیم. شما گفتین؟ مطمئنین؟ نه. عدد دیگه نداریم؟ چندبار؟ (۴ بار) ۴بار اسم پیامبر عزیزمون اومده. مطمئنین؟ آفرین. ۴بار اسم شریف حضرت اومده. یه بار هم یکی از القاب اون بزرگوار اومده که از قول حضرت عیسی علی نبیّنا و آله و علیه السّلامه. خب. پس اومده دیگه. اونجاها هیچ کدوم حضرت مخاطب و خطاب نبودن. مثلا میگه که پیامبر پدر هیچ کدوم از شماها نیست. ولی خطاب قرار نگرفته. هیچ جا «یا» قبل از اسم پیامبر عزیز ما ذکر نشده. هیچ جا. درس امروزی هم برای ما داره؟ هوم؟ درس امروزی برای ما داره این حرف؟ و این مطلب؟ چیه اون مطلب؟ چی. خود پیامبر. اسم پیامبر رو ما چجوری میاریم؟ بعضیا اینجوری میکنه. آره. حضرت علی چی گفته اینجا؟ حضرت علی چی «گفته»؟ در مورد پدرت هم همینطوری حرف میزنی؟ امام حسن چی گفته؟ فاطمه زهرا چی گفته؟ از همین الان، از همین الان تصمیم بگیریم اسم هیچ کدوم از چهارده معصوم رو بدون علیه السلام و مثلا سلام الله علیه و سلام الله علیها، بدون اینا نیاریم. حالا میگید آخه ما توی یه جمعی هستیم بگیم سلام الله علیه، همه میگن آه آه، چه اُمُّل! بگید علیه السلام. از این دیگه خجالت نکشید. مثلا بگید امام سجاد علیه السلام، بگن میگن اُمُّله. برای علیه السلام میگن شما اُمُّلی؟ بگو من قول میدم یه جایی برات جبران کنن. خوبه؟ تو بگو علیه السلام. ما روایت داریم. اگر کسی بنویسه، مثلا بنویسه امیرالمومنین علیه السلام تا وقتی که اون کاغذ توی اون نوشته نابود نشده، یه مَلَکی دائما برای او از خدا طلب مغفرت میکنه. اگر کسی اسم چهارده معصوم رو با علیه السلام یا علیه الصّلاه و السلام یا مثلا صلّی الله علیه و آله و سلّم با اینا بنویسه. بعد توی گفتن. خیلی خب. ما زمان پیغمبر نبودیم. اگر بودیم خیلی احترام می گذاشتیم مطمئن همینجوره، الان احترام میذاری؟ الان مثلا اسم پیغمبر بیاد چطوری میگی؟ آره مثلا پیامبر؛ عیبی نداره ها گناه نداره اما اوج ادب چیه؟ اگر میگیم با یک لقبی با یک مطلبی، با یک احترامی، با یک همراهی بگیم. از جمله نام امیرالمومنین رو هم همین طور؛ نگید حضرت علی، نگید امام علی بگید امیرالمومنین علیه السلام ؛ پیامبر عزیزمون صلوات الله علیه فرمود: سَلِّموا علی علیٍّ بِامرةِ المومنین علی رو به عنوان امیرالمومنین بهش سلام کنید و در زمان حیات خود پیغمبر، حضرت به امیرالمومنین می رسید می فرمود: السلام علیک یا امیرالمومنین حضرت علی علیه السلام می فرمودند: آقا خب من امیرالمومنین شما!! پیامبر می فرمودند: من چه کاره هستم؟ !من هیچ کارم خدا گفته به تو بگیم امیرالمومنین. لذا حضرت رو هم امیرالمومنین خطاب کنیم بعضی وقتها میگیم: امام علی بعد میگیم علیه السلام، امام علی خیلی شیعی نیست شیعی امیرالمومنین است یه کم تعصب و تصَلّب هم بد نیستش یعنی اصرار داشته باشید برای اینکه این کلمه رو بگیم و جالبه که بدونید به هیچ امام دیگه امیرالمومنین گفته

نمیشه و جایی داشتیم که به اهل بیت خواستند بگن اینها به شدت برخورد کردند و فرمودند امیرالمومنین فقط یک نفر است؛ خب آقا اون موقع نبودیم، بسیار خوب الان اسم پیامبرمون میاد میتونیم بگیم صلوات الله علیه و آله اینو که میتونیم بگیم؛ بعد اسم پیغمبر میاد بعد میگیم رد میشیم میگیم صلوات نمی فرستین؟! میگن نه بابا صلوات بفرستیم میگن امله قول میدم خونه جاش پنج تا بفرستم خونه نمی خوام همین الان؛ خب اینها همه میگن امملن اینها، خیلی خب نمی دونم ما چرا اصرار داریم تا اونها یه چیز میگن زود مخفی بکنیم الان ما امل نیستیم صلوات نفرستادیم؟!بد نیست حالا سه چهار تا کار دیگه هم بکن ببینیم از امملی در میای یا نه؟ !مگه میخوان به ما نمره بدن!

۴- در این سوره ۵ مرتبه عبارت یا ایها النبی اومده و بعد خواهیم گفت که اینها همش از باب موضوع هست: یکبار در همین آیه شریفه ۱ ناظر به عدم اطاعت از کفار و منافقین که حالا بعد درباره لا تطع الکافرین و المنافقین مفصل بحث می کنیم که آقا برای چی اطاعت نکنیم؟ چرا همش قرآن دستور به دشمنی میده؟ !همش ما باید دشمنی بکنیم با کفارو منافقین آیا معنای لاتطع الکافرین و المنافقین اینه که ما باید با همه ی اونهایی که مسلمان نیستند در حال جنگ باشیم؟ یعنی الان اعلام جنگ بکنیم با همه کشورهای دنیا؛ اروپای غربی، ما اعلان جنگ می کنیم! اروپای شرقی اعلان جنگ می کنیم! روسیه چی میگی تو اصلا؟!! بعد بزنیم تیپ و تانک هم، منظور اینه واقعا تو لا تطع الکافرین و المنافقین؟

دوم در آیه شریفه ۲۸ هست. در این آیه خداوند می فرماید: ای پیامبر نازنین ما، به همسرانت بگو انتخاب کنند دنیا یا آخرت؟ خب آقا یعنی اینقدر مهمه؟! اینکه همسران حضرت مورد خطاب قرار می گیرند اهمیتش میدونید کی آشکار میشه؟ بعد از اینکه پیامبر عزیز ما به شهادت میرسه؛ اهمیت خاندان حضرت کی آشکار میشه؟ بعد حضرت. که این خاندان میتونند نقش داشته باشند در در عاقبت بخیری جامعه ی اسلامی یا در عاقبت به شری؛ پس نگید که آخه یا ایها النبی اینقدر گفتین مهمه حالا در مورد همسران پیغمبر!؟ آره همسران پیغمبر خیلی مهم هستند برای بعد از پیغمبر. شما لزوما هم سراغ جنگ نریدها؛ یعنی الان تو ذهنتون نباشه یعنی همسران پیغمبر اومدند جنگ راه انداختند؟! نه قبلش و خیلی خیلی قبلش، چقدر حدیث از حضرت دست همسرانش بود ووقتی که حضرت به شهادت رسید این احادیث رو آوردند سوزوندند، احادیثی که فقط یک نسخه ازشون بود؛ یعنی حضرت به همشرش گفته بود فلان مطلب این رو روی یک پوستی نوشته بودند اینها رو آوردند پدر محترم فرمودند: همه رو بسوزونید، آقا یعنی بسوزونیم همه چیز تموم میشه دیگه نیست! گفتند بسوزونید حَسبُنا کتاب الله قرآن هست. هر چی مطابق با قرآن بود که قرآن گفته و هر چی هم برخلاف قرآن بود که بیخوده پس بسوزونیم بره! فقط این نبوده که حالا شما ذهنتون بره بیست و هفت سال بعد که جنگی راه افتاد، نه تاپیر همسران پیغمبر از زمانی آغاز میشه که پیغمبر سرشون رو گذاشتن زمین! تازه من میخوام عرض بکنم تاثیر همسران پیغمبر به زمانی که پیغمبر سرشون رو گذاشتن زمین هم بر نمی گرده به قبلش بر می گرده که خب ما تا زمان ظهور خیلی در مورد این موضوع صحبت کنیم.

سوم، آیه شریفه۴۵؛ که اشاره میکنه به بحث هدف رسالت پیامبر و نبوت ایشون. که میگه یا ایها النبی اِناّ ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا... ما تو رو برای چی فرستادیم؟ شاهدی، مبشری، نذیری، داعی هستی همه اینها شئون رسالت پیامبر نازنیمون هست.

چهارمین موردش در آیه شریفه۵۰ است، که در مورد همسران حضرت هست و اینکه چه کسانی به حضرت حلالند؛ یا ایها النبی انا احللنا لک ازواجک که چه کسانی به تو حلالند؟ که بعد در تکمیل این موضوع به جریان زینب خواهیم رسید و ازدواج پر سر و صدای زینب بنت جَشد دختر عمه پیامبر با حضرت و این جفایی که تو این آیات به پیامبر برخی ها کردند؛ نفهمیدند آیه رو یک چیزهایی گفتند که انسان واقعا شرمش میاد که چطور یک مسلمان در مورد پیغمبر این حرفها رو میزنه، شما یک نمونه از روایاتی رو هم که آوردند در صفحات میتونید ببینید که حالا ذیل آیه چهارم آومده که سیوطی این رو در دُرُّ المنثور نقل میکنه و جاهای دیگه هم نقل کردند که آقا مثلا پیغمبر چی تو ذهنشون اومده العیاذ بالله که حالا ان شاءالله خواهیم رسید.

پنجمین مورد هم آیه شریفه۵۹ هست، که در مورد بحث حجاب و پوشش هست که خداوند می فرماید که ای پیامبر ما هم به همسرانت و هم به دخترانت و هم به خانم های مومنین بگو که اینها پوشش خود رو این شکلی قرار بدهند و از این به بعد اینطور باشند همین زمان میشه زمان نزول آیات حجاب؛ که ما آروم آروم مواجه میشیم که خداوند در مورد نوع پوشش دستورات خاصی میده اینم از دفعات تکرار.

اما دلیل اصلی خطاب به حضرت چیه؟ ما اینجا برای پیغمبر چه نقش جدیدی قراره قائل بشم که او رو خطاب قرار دادیم و انگار میخواد یک اتفاقاتی بیفته رک و راستش اینه. پیامبر از مکه به خاطر اون فشارها و سختی ها مجبور به هجرت شد طبیعتا خانه ی خدا، زادگاه خودش جایی که هزاران اتفاق مبارک در اونجا افتاده، این همه انبیا اونجا بودند، حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل سلام الله علیهما اومدند اونجا، اونجا حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت اسماعیل رو آورده رَبَّنَا إِنِّی أَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِی بِوَادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ حضرت آدم علیه السلام اومده اونجا خانه خدا اولین جایی بوده که از زیر آب اومده بیرون و....، پیغمبر ول کن بروا! آخه برای چی برای اینکه اینجا محل تشکیل اون حکومتی که میخواد اسلام رو فراگیر کنه نیست؛ به خاطر اون جهالت های قوم قریش. حضرت بلند شده رفته مدینه؛ رفته مدینه بعد از یک مدتی براش شروع می کنند بساط درست کردن؛ یعنی اونجا هم ولش نمی کنند که جنگ بدر راه بندازند، جنگ احد رو راه بندازند بعد برن سراغ جریان احزاب که مفصل باید بهش بپردازیم و ببینیم.

برخی ها تصورشون از جنگ احزاب اینه که یه قلعه این شکلی بوده مثلا دو متر جلوش باز بوده این دو متر هم یک خندقی کندند کفار اومدند، مسلمونا یکباره گفتن: آهان ضایع شدین! دورتادور که دیواره اینجا هم که دیگه خندق هست برین خونه هاتون برین، آدم واقعا بره تو زیر زمین بادبادک هوا کنه اینجوری ضایع نشه؛ واقعا به همین شکل بوده؟ یا نه سر جنگ احزاب عرض خواهم کرد روی کاغذ کار پیغمبر و اسلام تمام بودیعنی باید تمام می شد، روی کاغذ در جنگ احزاب برنامه ای که کفار، منافقین، یهودی ها، این متزلزلین مدینه اینها با هم ریختند روی کاغذ کار پیغمبر باید تمام می شد یعنی هیچ مطلبی نباید می موند؛ اگر نبود

اون اتفاقاتی که افتاد چه نصرت الهی، چه اون رشادت امیرالمومنین علیه السلام کار اصلا تموم شده بود. پس الان قراره یک اتفاق جدیدی بیفته اون اتفاق چیه؟

خب پیغمبر سیزده سال مکه بودی همه ی گرفتاری ها رو چشیدی؟ حضرت می فرمایند: آره، خیله خب، رفتی مدینه گرفتاری ها رو درست کردند اینه، اینه؟ آره، الان میخواد یک فصل جدیدی در زندگی تو در اسلام و در تاریخ بشریت شکل بگیره، اون چیه؟ حضرت اومدند مدینه، همه شنیدید دیگه از زمانی که حضرت در مکه با مردم مدینه قرار شبانه گذاشت، عَقَبه ی اولی و ثانیه از همون موقع حضرت نشون داد نگاهش نگاه حکومتیه؛ یعنی برای مردم مدینه روسایی، نقیب هایی که اینها مسئول رسیدگی به گروه های مختلف بودند اما این به معنای این بود که پیغمبر حکومت تشکیل داد؟ نه؛ اومد در مدینه شروع کرد ن مسجد بسازند مومنین با هم برادر بشوند، خب قبلش عبدالله بن ابی اونجا بوده و این قرار بوده بین اوس و خزرج آشتی بده و بشه رئیس مدینه؛ یک منافق ملعون که مسجد ضرار و اینها همه کار اونه که اشاراتی به او هم خواهیم داشت ان شاءالله، بعد او مدعی، سه تا قبیله یهودی هم گردن کلفتند پولدار هم هستند به شدت با مکه هم در ارتباطند اینها هم مدعی، دیگران هم تو همین شهر هستند حضرت اومده ولی هنوز رئیس نیست. رو این حساب مومنین رو قبول دارند به او مراجعه می کنند؛ لذا جاهای مختلفشما در تاریخ اسلام می بینید که دنگی به دونگی می خوره اوس و خزرج برای هم شمشیر می کشند یعنی یه اتفاق بیفته یکباره اینها میگن شما اون طرف ما این طرف، اینجا رئیس داره پیغمبر هست خب مراجعه کنید حرف بزنید یعنی انگار نه انگار این رئیس هست هر وقت لازم شد ما اوسیم و اینها خزرجند می زنیم به تیپ و تاپ هم! خدا از اینجا به پیغمبر میگه خب یک فصل جدیدی میخواد آغاز بشه اون فصل چیه؟ برو به سمت تاسیس حکومت؛ تو باید حکومت راه بندازی. تا الان رئیسی، ببینید یک وقت هست تو رو در بایستی من میگم شما این کارو بکنید شما میگید خیله خب باشه، این اسمش حکومت نیست؛ حکومت همه چیز سر جای خودشه قشنگ معلومه کی حرف آخر رو میزنه، کی مجریه، کی ناظره، کی طراحه، همه چیز معلومه این دیگه رودربایستی بردار نیست؛ حرف آخر رو یک نفر که همه کاره است باید بزنه او در یک جایی سیاست گذاری میکنه میگه این اتفاق بیفته. خدا میگه پیغمبر حکومت راه بنداز، نظام درست کن، نظام درست کن! امام عزیز ما که رحمت خدا بر اوباد، امام اومد داخل کشور، شما تاریخ انقلاب های دنیا رو بخونید توروخدا انقلاب ۱۹۱۷، انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه رو بخونید، که بعد انقلاب لایَتَشخص کلب و صاحبه خب؛ هیچی بگیرو بریز و بپاش، یک میلیون نفر رو می بینی که با گیوتین فقط می کشند، امام از راه نیومده دولت موقت تعیین میکنه؛ آقا شما دکترای علوم سیاسی داری؟ !نه عقلش کار میکنه؛ کدوم عقل؟ اِتَّقوا فراسهٔ المومن فَاِنَّه ینظر بنورالله دولت موقت میذاره، شروع کنید سریع قانون اساسی بنویسید؛ قانون اساسی رو بنویسند بیارند، مردم بیایند قانون اساسی رو رای بدن ما انقلابمون آخر بهمن ۲۲ بهمن انقلاب کردیم ۱۱ فروردین جمهوری اسلامی رای آری گرفته یعنی یک ماه و نیم بعد؛ در تاریخ بشر بی سابقه است آقا معلومه روسای اینها در علوم سیاسی خبره بودند! اصلا امام دانشگاه نرفته بوده که علوم سیاسی بخونه؛ یک ماه و نیم بعد!چون نگاه امام نگاه حکومتی بود. امام دنبال حکومت بود چون میدونست حکومت نباشه سنگ روی سنگ بند نمیشه. حالا اینکه حکومت چطوری اداره بشه بله امام بعدش میره قم میگه اداره کنید بعد می بینه اینها این کاره نیستند؛ میگه من کار ولایتیمو می کنم و شما کار اجرایی بکنید می بینه نه اجرائیات هم از اینها برنمیاد.

قانون اساسی کشور به یکسال نکشیده نوشته شده به رای گذاشته شده و اومده و در حال اجراست. این نوع نگاه حکومتیه یعنی از اول میدونه آخرش چیه؛ اما شما از اول نمیدونی وسطش چیه آخرش که بماند!همینطور شروع کردی کجا میری؟ !حالا یه کم اینوری بریم نمیدونم حالا اونوری هم باز خوبه اگه حالا اونورم اینور که دیگه میشه رفت!!یعنی واقعا این مقدار برنامه ریزی!!کجا میخوای بری؟ چطوری میخوای بری؟ زمان بندیت چیه یعنی تا چه زمانی اینجایی تا چه زمانی اونجایی؟ چه زمانی به هدف نزدیک شدی؟ کوله ات، وسایل مورد نیاز، اقتضائات تو راه!!؟؟ بریم کوه؟ بریم با چی؟ حالا بریم، پول نداره تا پای کوه یعنی کوهپایه بره. یه سریالی نشون میداد چند سال قبل خیلی واقعا سریال بی سرو تهی بود در مورد وزارت اطلاعات که یک دانشمند هسته ای رو می خواستند مثلا نجات بدن یک کسی رو شبیه او قرار دادند؛ رفتند دنبال یه فردی در مرزهای شمال غرب کشور بعد اون طرف از مرز رفته بیرون، یک نفر اونجاست میگه: من میرم دنبالش! مثلا در یکی از شهرهای شمال غرب کشورند اون طرف کجاست ارمنستان! وسط بیابون راه میفته بره بعد الان گذرنامه نشون میدن نیاز نیست بعد شما میخوای بریالان پیاده تو بیابون بعد کی به مرز میرسی؟! بعد اونجا مرز با ارمنستان الان هست؟! میگه: نه دیگه من میرم. بعد واقعا وزارت اطلاعات ما خوش عقلهای خوشحالی که دیابت فوقانی دارند هستند واقعا؟!! یعنی مثلا وزارت اطلاعت یک اتاقه سه چهار نفرند با نون سنگگ و پنیر!!یعنی شما وزارت اطلاعات رو میخوای نشون بدی!!!مثلا تصویر وزارت اطلاعات تو فیلم قلاده های طلا ببینید، وزارت اطلاعات یک جایی که اگه نداری هم اینجوری نشون بده که مردم وقتی نگاه می کنند بگن اوف !نه بابا انگار یه خبرهایی هست. فیلم های آمریکایی رو نگاه کنید یک اتفاق میخواد بیفته یک تیم امنیتی میشینند اگه به من بگن ۱۰ تا قیافه پیشنهاد کن که وقتی نگاه میکنی عقلانین از قیافه اینها بباره بهتر از اینها به ذهنم نمی رسید؛ ۱۰ تا آدم عاقل نشستن دور یه میز اینقدر دقیق و عمیق بحث می کنند یعنی شما اگه آمریکایی باشی اینها رو ببینی میگی بابا تا اینها هستند هیچکس هیچ لطمه ای نمیتونه به ما بزنه. بعد ما فیلم پلیسی می سازیم! غالب پلیس های ما اینقدر عبوس اند اصلا معلوم نیست با کی دعوا دارند ناراحتند؛ خب مثل آدم باشید آرام باشید اون سرهنگه همیشه عصبانیه همش نیروها رو توبیخ میکنه بعد میگیم پلیس های ما واقعا این دله دیونه ها هستند که نشون میدن!! امنیت شهر پس چطوری حفظ میشه؟! خودمون پول میدیم با دست خودمون سریال می سازند آبروی خودمون رو می بریم! بابا این فیلمنامه رو کی نوشته واقعا؟! یا خیلی حالش خوب نبوده یا مغرضه بابا اینجور دیونه نشون دادن نیروهای نظامی و انتظامی به نفع کشور نیست آخه چی هستند اینها شما نشون میدید؟ همش عصبانی همش دعوا.

وزارت اطلاعات ما بالاخره این کشور رو تو این وانفسا شب و روز نگه می دارند، ضایع کردن اونها هم هست؛ بعد دخیل شدن احساسات و اینها هم دیگه هیچ.

نگاه حکومتی داشتن یعنی انسان می داند چه کار می خواهد بکند. پیغمبر، آمدی. الان نقطه مقابل تو چه کسانی هستند؟ کفار، هم در مدینه و هم در مکه. حالا اطراف اینجاها هر چند کفار هستند توی مثلا شهرهایی که در جوار مدینه هستند مثلا یمن و این ها که اصلا تحت نفوذ ایران هستند. این کفار در مکه و مدینه و جاهای دیگر. منافقین، منافقینی که هم می توانند یهودی باشند و هم غیر یهودی باشند. تو همین سوره مرجفون. مرجف از رجفه می آید رجفه یعنی لرزش، این هایی که لرزانند. لرزانند یعنی حرفاشون لرزان

است یعنی شایعه پراکن هستند حرفای بیخودی می زنند. هی به مردم میگن آقا تموم شد اومدن. سر جنگ احزاب این ها به مردم گفتن آقا تمام شد. این جمعیتی که داره میاد نفری یک فوت بکنن مدینه پرت شده جزیره موریس گل رضاخان. یه فوت بکنن این جمعیتی که داره میاد سمت مدینه. و یک سری مسلمون ضعیف الایمان که پیغمبر: " إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ " خانه هامان بی سرپناه است اجازه بدهید بریم سری به آنها بزنیم که فرار کنند و قرآن می گوید وما هی عوره، دروغ می گویند اینها. این همه آدم هستند خدا به پیغمبر می گوید بذار کنار. شروع کن حکومت درست کردن یالا حکومت درست کن. چون حکومت درست نشود فرمانده معلوم نشود اسلام جاری و ساری نخواهد شد. لذا دلیل اصلی خطاب به حضرت اینه که سال پنجم باتوجه به جمیع اتفاقات سابق سال شکل گیری پایه های حکومت اسلامی در مدینه است. میگه پیامبر تا الان با یه نحوه ی اداره ای جامعه را پیش بردی از الان دیگه ورق بر می گرده. از الان نظام مند، باحکومت. هرکسی سرجای خودش هرچی که تا الان بوده به کنار از الان این شکلی باید پیش برود. اینم دلیل خطابی است که سوره باهاش آغاز شده و در جاهای مختلف سوره تکرار شده.

(سوال بچه ها) بله یعنی اینکه می گویند چرا دنبال حکومت هستید می گوییم بروید یقه پیغمبر را بگیرید.

در آیه شریفه ۱ بودیم که يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ از خدا پروا کن و بترس قبلا عرض کردم باز تاکید می کنم برای بزرگوارانی که تازه تشریف آوردند اینه می گوییم از خدا بترسیم تندی این سوال پیش می آید که مگر خدا ترسناک است ؟ یا وحشتناک است؟ که ما از او بترسیم. اینکه می گوییم ما از خدا بترسیم این وسط یه چیزهایی حذف می شود. من مستقیم از خدا نمی ترسم، من از عملی می ترسم که اون عمل منو مشمول سنتی می کند که اون سنت را خدا گذاشته. خدا سنت گذاشته که اگر به کسی در دنیا نگاه تمسخرآمیز بکنی و او را مسخره بکنی و تحقیرش بکنی توی همین دنیا تحقیر می شوی. من این عملو انجام میدم، الان من از خدا می ترسم با این دوتا واسطه است من ازین مسخره کردنی می ترسم که منو مشمول سنت رفتن آبرو در دنیا می کند که خدا اونو قرار داده. اتق الله به این معنا و الا خدای ارحم الراحمین خدایی که از مادر به ما مهربانتر است چیش ترسناک است؟ اما گفته من سنت هایی گذاشتم دائما هم هشدار به ما داده خودتون رو مشمول این سنت ها نکنید ها. اگر آمدید و با این رفتار خودتان را در معرض فلان سنت قرار دادید و بعد عذاب من شامل حالتون شد گله نکنید.

سوال

پ: مثلا در مورد ملائک می گوید که ملائک از خدا خوف می کنند، از چی خدا؟ خوف لزوما از ترس بودن نیست از هیبت هم هست. شما بالای یک کوه می روید از چی می ترسید؟ مگه موجود ترسناکیه؟ اون هیبت مارا می گیرد. حالا او در قبال خدا امیرالمومنین می گوید ما كُنْتُ اَعْبُدُ رَبّا لَمْ أرَهُ. من خدایی که نبینم عبادت نمی کنم. حالا چی دیدی شما؟ توضیح بده الان برای ما؟؟؟؟

اتق الله: از خدا پرهیز کن. پرهیز یعنی تقوی یعنی خودنگهداری حالا خودنگهدار باش یعنی چی؟ از خدا بترس یعنی چی؟ دو احتمال می توان داد :

۱- پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تا الان اهل تقوی بودی از این به بعد هم باش دعوت به ادامه تقوی، به نظر می رسد دعوت به ادامه تقوی خیلی بحث مهمیِ که براش لازم باشد که خطاب یا اَیّها بیاید آیه نازل شود، شاید بناشد که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مراعی تقوی بوده و بعدا هم باشد، انگار می خواهد یک چیز جدید بگوید. به نظر می رسد اِتَ□□□□قِ الله دعوت به رعایت یک مراحل جدیدی از تقوی است. چرا ؟ طبیعتا شما فرض بفرمائید که خاطرتون باشه سال ۸۴ دولت اول آقای احمدی نژاد، اینها رای آوردند. هیئت دولت رفتند پیش آقا، همون شهریورماه هیئت دولت می روند که همون هفته دولت هست، آقا یک نهج البلاغه آوردندو شروع کردند از روی نهج البلاغه برای اینها خواندن و معنا کردن و تفسیر کردن، بعد توصیه آقا این بود که انستون را با قرآن بیشتر کنید. خانم شما روزی چقدر قرآن می خوانید مثلا روزی دو صفحه. الان شما شدی معاون این دانشگاه چقدر قرآن بخواند؟ ۴ صفحه بخوان چون تو بیشتر در معرض وسوسه شیطان هستی تا منی که مدیر نیستم، من دانشجو هستم میام میشینم و بعد هم می روم، شما مدیری و یک مدیر را شیطان بیشتر وسوسه می کند. چقدر پول زیر دستت هست، به کی اختصاص بدهیبه این تشکل را بزنم، به اون کم بده، به این زیاد بده، پولها را اینجا خرج کن، این پولها امانت است دست تو، برای چه هدفی به کار می بندی، در حالیکه وقتی این پولها نبود طبیعتا امتحان ناظر به این پولها هم نبود. این قدرت نبود، اقتضائش هم نبود.

چه کسی احتیاج به خودنگهداری دارد؟ هرچی بالاتر نیازش بیشتر.

من سرم به کار خودمه، یک گوشه ایی نشستم نه کسی به من کار داره نه من به کسی، اما اگه رفتم یک جا صدهزار نفر آدم چشمشون به دهن من بود، اینجا وظیفه من سنگین می شود. در حالت عادی نشستم در خانه با خودم یک چیزی می گویم دیوارها حرف مرا می شنوند بعد هم واکنششون این است که برگردونند صوت را به سمت من اما الان صدهزار تا آدم همه اینجورین... که تو چه میخواهی بگویی. یک کلمه غلط بگویی روز قیامت نفست را خواهند برید که برای چی این را گفتی، توبرای چی همچین حرفی از دهنت در رفت ؟ هرچقدر که مقام و جایگاه و مسئولیت و اتفاقات و حواشی بیشتر و سنگین تر و جدی تر، نیاز تو به تقوی بیشتر. خب حالا پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) مگه چی شده که در مراحلی قرار گرفته که باید به تقوی بیشتر برسد ۱- اصل تشکیل حکومت اسلامی شما در معرض چی قرار گرفتی؟ تشکیل حکومت، خیلی باید تقویت زیاد شود، نه نه اصلا وقت تقوی نیست، عمرت را تلف نکنی بشینی گریه کنی و ماجات و فلان، الان وقتشه که سیاسیون را دعوت کنم و باهاشون گفتگو کنیم ببینیم متا چه کار باید بکنیم. راه را گم کردی، اونی که دست تو را می گیرد که حکومت را تشکیل دهی این جلسات و اینا نیست، چیه؟ تقوی است. اِن تَتَّقُ الله یَجعَل لَکُم فُرقانا

من این مثال را زیاد زدم ولی باز هم می زنم، امام توی نوفل لوشاتو، یک کسی به نامِ (ای خدا من همیشه اسم این مرد یادم می رود) رئیس شورای سلطنت ایران، نمی دونم طباطبایی بود، همایی بود، شایدم هیچکدوم نبود، خب می دونید که بعد از اینکه شاه از ایران رفت و دید وضع خراب شده، یک شورائی درست کردند به نام شورای سلطنت، هی نقشه های مختلف را امتحان می کردند، بختیار را آوردند که مثلا زندانی سیاسی آزاد بشوند یه جوری زهر مردم را بگیرن نمی شد. این آقا بلند شد رفت پاریس دیدن امام

(رئیس شورای سلطنت) امام چی کار کردند؟ امام نپذیرفتند. گفتند اول استعفا بده، چرا خب حالا بیاید دیگه؟ بیاد صحبت بکنه قانعش کنید و بره استعفا بده، نه اول استعفا می دهد چون اگه بدون استعفا بیاید پیش منِ امام یعنی من تائید کردم شورای سلطنت را. امام گفتند اول باید استعفا بدی. استعفا داد آمد پیش امام و خیلی هم احترام کرد یعنی خیلی آدم متواضعی بود اونموقع توی اون برخورد، حالا بعدش نمی دونم کجا رفت چیکار کرد.

کی به این امام این را گفته؟ فکر کنم امام تماس گرفت مشاورین سیاسیش جمع شدند گفتند بپذیر، امام گفت باشه، آره مشاورین سیاسی کیا بودن، همه اونهایی که دورو بر امام بودند هم مثل خود امام بودند، غالبا شاگردانش بودند. امام از کجا می فهمد که الان باید چیکار بکند؟ از همون جایی که شب ۲۱بهمن می گوید باید حکومت نظامی شکسته شود، بعدهم که مرحوم آقای طالقانی خیلی اصرار می کنند امام می گوید که اگر دستور من نباشد چی که آیت الله طالقانی شروع می کند به گریه کردن.

شما می خواهی حکومت تشکیل بدهی نیاز به چی داری؟ تقوی

اقتضای حکومت تقوی است، این به معنای لوث نیست، آقا ما الان رئیس جمهور شدیم به جای اینکه کار راه بیندازیم، کابینه درست بکنیم به مسائل مردم برسیم، بشینیم گریه کنیم. خیلی نُنُری خیل یعنی در یه حد چندشی. کی رو میگی؟ کسی که نظرش اینه.

ما الان گفتیم که امور مملکت را بخوابونیم قرآن را باز کنیم اعوذُبالله مِنَ الشَّیطان الرَجیم..... هی گریه کنیم، کشور اداره شد؟ ! نه الان میشه.... خیلی واقعا یه حالت مخملک گونه ایی داری شما اِنقدر که ابلهانه به موضوعات نگاه می کنی. کسی اینو گفته؟ ؟

شما با تمام وجودت کار کن، با تمام وجود اما زیر سایه تقوی. نفس هم می خواهی بکشی بگو به عَونِکَ وَ قُدَرِک خدایا تو، یک چیزی می گویی مردم اقبال می کنند. در حالیکه مردم اقبال می کننئ نگاهت به آسمان باشد خدایا من هیچی نیستم لا حَولَ وَلا قُوَّهَ اِلّا بِالله العَلی العَظیم. من هیچی نیستم، همش توجه تو است، همش توفیق توست. الان تو صد برابر بقیه به تقوا نیاز داری. اینی که داریم می گیم آقا ناظر به کیه؟ ناظر به هیچکس ناظر به هرکس که در مصدر بالاتری است. آقا رهبره بیش از همه نیاز داره، نفر دوم کشور رئیس جمهوره او بعد از آقا بیش از همه نیاز داره، نفر سوم، چهارم همینجور به ترتیب. هرکس در هر جایگاهی متناسب با آن جایگاه به تقوی نیاز دارد. چون قدرت، ثروت، مکنت، توجه به همه اینها آدم را تهدید میکند و اینکه می گویند آخرین چیزی که از دل مومن بیرون می رو حب جاه است. خیلی کیف دارد بالاخرهاصل تشکیل حکومت متاج تقوی است. تقوی نباشد به ثمر نمی رسد. انقلاب ما را هم همینها پیش برد و الا اینکه تو انقلاب ما چی موثر بود، واقعا جنگ مسلحانه بود؟ امام می گفت جنگ مسلحانه نباشه چون هم رژیم جری تر می شود و هم بهانه پیدا می کند همه را قلع و قمع بکند و هم مردم در حرکت مسلحانه همراهی نخواهند کرد. اینها را کی به او گفته بود؟ بله امام سابقه مطالعه اش نسبت به انقلاب های قبل دیوانه کننده بود مشروطه رو خورده بود که هیچکدام از کلاه های مشروطه دوباره سرش نرفت اما آن چیزی که دارد امام را حرکت می دهد، اون اتفاقات نیمه شب امام است، که شهید مطهریش که شهید مطهریه

میگوید به امام گفتم نصفه شب با کی صحبت می کردین شما موقع نمازشب، که امام گفت شما خیلی سوال نکن میگه من رسما می شنیدم که داره با یکی حرف می زند بعد گفتم با کی حرف می زنید، امام گفت حالا مثلا شما بپر بیرون برو دوتا نون بگیر بیار صبحانه بخوریم و اینا مارو سنگ قلاب کرد.

این رو من غیر از امام از شهید انصاری که استاندار گیلان بود اول انقلاب و شهید شد، یک نسبت فامیلی ما داریم برادر خانوم ایشون من این خاطره رو گفتم، گفت من این خاطره رو از شهید انصاری هم شنیدم که می گوید ما پیش امام بودیم قشنگ امام نصفه شب که بلند شده بود نماز بخونه گریه می کرد بعد نشست شروع کرد صحبت کردن واضح. ولی ما جرئت نکردیم به امام بگوئیم با کی داری حرف می زنی. او یک جای دیگر کارش را بسته که می تونه پیش ببره. حالا یک عده ایی دو رکعت نماز صبح هم تا حالا نخوندن نه آقا اینا همش به خود دعوت کردنه، اینا همش دنبال اینن که بگنما با امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) در ارتباطیم. امام تا وقتی زنده بود می گفت من با امام زمان در ارتباطم؟ خب می خواست می گفت که و زمینه پذیرشش هم بودکه.

اصل تشکیل حکومت، پیغمبر تا الان تقوا داشتی خیلی خوب، می خواهی حکومت تشکیل دهی یک پله یا بالاتر این کار خیلی تقوی می خواهد.

۲- وقایع خاص و سختی که در این مسیر باهاش مواجه هستی. جنگ می کنی، چی می شود، شهید می دهیم. خب پیغمبر تا الان سابقه شهید دادن داشت؟ نه حالا اینکه در مکه یک عده ایی بر اثر مثلا شکنجه مثل یاسر و سمیه سلام الله علیهما با آن مظلومیت به شهادت رسیدند به جای خود اما پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) سابقه اینکه ۷۰تا از بهترین عزیزانش رو ظرف چند ساعت از دست بدهد داشته؟ نه، تو احد این اتفاق افتاد. ما همینجوری نگاه می کنیم، حمزه شهید شد. حمزه کی بود که شهید شد؟ شما می دانید که حضرت زهرا (سلام الله علیها) از بعد از جنگ احد تا زمانی که زنده بود دائما می رفت قبرستان احد و بالاسر مقبره حمزه می نشست و آنجا گریه می کرد، شنیدین؟ خب حمزه اگر یک آدم معمولی بود که حالا بود بود و نبود نبود، این مقدار اکرام از طرف حضرت زهرا (سلام الله علیها) چه معنی می تواند داشته باشد؟ یک آدم عادی بوده شهید شده. حمزه سید الشهدا که می گویند الان اینا تعارف است؟ مثلا گناه داره حمزه شهید شده یک چیزی براش بگیم، سید الشهدا خوبه؟ آره خوبه همین رو بگیم. کی گفت حمزه سید الشهدا؟ اینا از مثلا ماها تولید شد و ایجاد شد؟ ما خوشمون اومد از حمزه گفتیم، حمزه خیلی خوب از پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) دفاع کرده یک سید الشهدا بگیم خوشحال بشه مثلا شهید شده رفته و بقیه.

حضرت باید آماده شود، بین پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) یک اتفاقی در پیش است که شما آدم از دست خواهی داداگرچه که احد قبل از این بوده اما اقتضای حکومت همین چیزهاست. تو باید راه بیفتی اتفاقات سخت دیگری که در طول مسیر هست جریان نفاق. جریان نفاق پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) تو را ول نخواهند کرد. پشت سر پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) توی سوره منافقون برگشتند تو مسیر گفتن لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ، برگردید مدینه عزیز ذلیل رو بیرون می کنه منظور اینا عبد الله بن عبیر به

منافقین می گه برسیم مدینه ما که عزیزیم این پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) زبونم لال که ذلیله اصلا جایگاه نداره، این چیکاره است اومده تو شهر بیرونش می کم. پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند سپاه حرکت کند که نشینن و حرف نزنن که فضای نفاق جون نگیره. نزدیک سه روز پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) سپاه رو حرکت می داد تا اینها فرصت نشستن را از دست بدهند وقتی که گفت توقف بکینید اینها همه از خستگی داشتند می مردند که زود بگیرند بخوابند. یعنی آدم صدر اسلام را نگاه می کنه واقعا پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم)، من یک موقعی ایام دبیرستان بودیم سرگذشت حضرت موسی (علیه السلام) را می خواندم، آقا اینقدر دلم می سوخت ای خدا چقدر نفهمن این بنی اسرائیل. حضرت اومده دعوت کرده راه افتادن رفتن رسیدن به آب، دیدی دیدی الان فرعون اومد، الان همه کشته می شویم، تو گفتی بریم نجات بدهم و اینا، حضرت گفت یه دو دقیقه صبر کنید، یک چند لحظه توقف بفرمائید، زد آب باز شد، رد شوید، اِ رد شیم خیلی خوب. رد شدن. فرعون و او تا آمدند همه غرق شدند، آخیش غرق شدند. یهکمی رفتند به یک قومی رسیدند که اینا بت می پرستیدند. موسی. چیه؟ از اینا می خواهیم ما. حضرت گفت هنوز نَم نیل به تنتون هست، خیس که نشدین حالا نمش به تنتون هست خجالت نمی کشید می گید بت میخواین؟ یه کم دیگه رفتند حضرت گفت خیلی خب باشید من برم طور، رفت برگشت دید همه دور یک گوساله جمع شدند دارند سینه زنی می کنند! برای چی دورِ گوساله می چرخید؟ تو دیر کردی ما دیگه دورِ گوساله جمع شدیم. اونو جمع کرد، رفتند بیت المقدس، گفت وارد شوید، گفتند اِذهَب اَنتَ وَ رَبُّکَ فَقاتِل اِنّا هُنا قاعِدون برید شما بجنگید وقتی پیروز شدید یک سوت بزنید ما تندی بعدش اومدیم. من می خوندم خدایا اینا چه قومی هستند اینا عجب آدمهای نفهمی هستند، بعد رسیدن به اینجا که پیامبر نازنینمون(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود که ما اُوذیَّ نَبیٌ مِثلَ ما اُو ذیتِ هیچ پیغمبری مثل من اذیت نشده.

با پیغمبر چیکار کردند واقعا؟

من احساس می کنم ان شاء الله که اشتباه نکنم اون چیزی که بیش از همه آدم رو اذیت می کنه چیه؟ جهل، جهل، جهل

به یک آدم رسیدین که می خواهید او را راهنمایی کنید و مثل نادان ها حرف خودش را تکرار میکند؟ مثلا برادر/ خواهر / عزیزم/ قربونت بشم/ دورت بگردم/ فدات بشم الان این این آهاااااان خب نه اگه من اشتباه می گم شما بگو؟ هوووم چقدر غصه می خوری؟ حالا طرف رو دوست هم داشته باشی. بعد پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) دلش ضعف می کرد، برای کی؟ برای کفار. قرآن گفت پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) بس است. طه ما اَنزَلنا عَلَیکَ القسران لِتَشقی ما قرآن را نازل نکردیم که اینقدر خودت را به مشقت بیاندازی. ولشون کن به درک که ایمان نمی اورند.

جهل، من برداشتم این است که پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) ما شهید جهل شدند، یعنی نابود شد پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در زمان حیاتشون جهل مردم بود. یعنی یک چیز واضح می گویی، حرف خودش را می زند. می گم اگر اشتباه می گویم شما اشتباهم را بگوئید من اون اشتباهم را درست

بکنم. من با شما حرفی ندارم، خب برای چی حرفی نداری؟ ! من قبلا به شما بی احترامی کردم؟ توهین کردم؟ من با شما حرفی ندارم. به چه دلیل حرفی نداری؟ به این دلیل که حرفی با شما حرفی ندارم. چیکار کنه آدم. پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) با اینها طرف بود. اون ادیشون بود، این هم برخوردشون.

جمع میکنم می گوید بعد از من علی(علیه السلام)، همون موقع هم پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) توی صورتشون نگاه می کند و می گوید بعدش نزنید زیرش، می گن نه نمی زنیم زیرش همونایی که می زنن زیرش. جهل مردم.

آماده اینها باش پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) منافقین یه جور کار می کنند، مردم می روند، جنگ می شود، شهید می دهی بعد که شهید می دهی یک عده ایی می آیند می گویند خوب شد حالا همه شهید شدیم، کشته شدیم، هی گفتی خدا نصرت می دهد، اون نصرت کو؟ همه اینها را باید ببینی و اینها تحملش کار هر کسی نیست علاوه بر اون سختی های قرآن اِنّا سَنُلقی عَلَیکَ قَولاً ثَقیلا اونها رو ول کن، این سختی هایی که تو مسیر خواهی دید.

برخی از دشمنان ما آدم هایی هستند که خدا در مورد آنها فرموده: لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ

برخی از دشمنان شما نه شما را از خانه و کاشانه بیرون کرده اند و نه با شما جنگیده اند و نه سر کلاس شما پیامک زده اند! خب این دشمن ها دشمنان پیامکی و امروزی هستند یعنی امروز به قرآن کریم اضافه می شوند! این دشمن ها کاری با شما ندارند چون این سه تا کار زشت را نکرده اند. کار اول زشت: پیامک زدن سر کلاس! کار دوم زشت: جنگیدن با رسول خدا کار سوم زشت: اخراج پیامبر(ص) از مکه به ترتیب اولویت عرض کردم که عمق مطلب روشن بشود!

یک سری دشمنان این طوری هستند شما باید با اینها با قسط برخورد کنید. پیامبر! باید با اینها با قسط و عدل برخورد کنی. بقیه ی دشمنان عنود هستند و تو را از خانه و کاشانه بیرون کرده اند. با اینها باید مدبرانه و قاطعانه برخورد کنی... آقا خب بگید قاطعانه... نه! مدبرانه و قاطعانه! فقط قاطعانه اش را نگیرید. آن وقت آتش به اختیار بی قاعده می شوید. همه جا. اینجا جای قاطعیت نیست. گاهی باید انعطاف داشت. کار قاطعِ مدبرانه، از کله نشأت گرفته، درون آن عقل دخیل باید کرد.

مکه کجا بود؟ خانه ی خدا. یعنی اگر در دنیا یک نماد برای توحید بخواهند بگویند کجاست؟ این خانه ی مبارک و متبرکه... کفار و مشرکین چکار کرده بودند با کعبه؟ بت خانه بود. چند تا بت؟ ۳۶۰ تا بت در کعبه بوده.

خب اگر پیغمبر(ص) بخواهد قاطعانه رفتار کند و شروع کند فحاشی کردن، حالا در مکه اگر نشد، وقتی به مدینه آمدند شروع کند به فحش دادن به بت های اینها و خودشان. اینها هم متقابلا شروع کنند به فحاشی به خداوند!

در جنگ احد بعد از اینکه کفار پیروز شدند ابوسفیان و هند و دیگران شروع کردند یک شعاری دادند: اُعلُ هبل یعنی هبل بلند مرتبه است... الان شروع کنیم فحش خانوادگی به هبل بدهیم؟ بگوییم همان هبلی که ننه باباش معلوم نیستند و بخندیم؟ نه! پیامبر(ص) چه فرمودند؟ این طرف چه شعاری دادند؟ الله اعلی و اجل... لازم نیست به او فحش بدهی. تو مزیت خودت را نشان بده کار تمام است. طرف مقابل بی احترامی می کند؟ تو مودب باش. تمام اینها در نهایت خواهند گفت حق با این است.

در جنگ احد بعد از اینکه کفار پیروز شدند ابوسفیان و هند و دیگران شروع کردند یه شعاری دادند. اون شعار چی بود ؟ " اُعلُ هبل " یعنی چی ؟ الان شروع کنیم یه فحش خانوادگی به هبل بدیم؟ اون هبلی که ننه و باباش نیستن و مثلا بخندیم، نه. اینورچه شعاری دادند؟ (سپاه اسلام) "الله اعلا باجل " نمیخواد به اون فحش بدی، تو مزیت خودتو نشون بده، کار تمومه. نه من الان با این بحث میکنم. چی کارمیکنه خب؟ بی احترامی میکنه تو مودب باش. تمام این ها در نهایت خواهند گفت حق با اینه. خب نه اقا یه فحش داده یه فحش بدم بفهمه با کی طرفه، خب تو اگر فحش بدی فرقت با اون چیه الان! پیغمبر تو الان قراره یه کارهایی بکنی. تو میخوای یه روز وارد مکه بشی اونجایی که هر کاری که تونستن با تو کردن، اگر تقوا نداشته باشی حمام خون راه میندازی.

(پیامبر بی تقوا از زبان استاد)آهان خیلی خوب، وارد مکه میشیم همه مردم رو توی میدان مکه جمع کنید بعدش اینارو اول تیر باران کنیدولی به هر نفر یه تیر بیشتر نخوره بعد اینارو بزارید همینجا باشن اینارو به هم ببندین که کرکس ها بیان اینارو زنده زنده بخورن، برا منو امیرالمومنین هم سایه بان درست کنید که اینارو نگاه کنیم خرما بخوریم و بخندیم و هسته هاشم بزنیم به کله ی اینا و کیف کنیم. اره؟

چون تقوا داشت پیغمبر فرمود: خانه خدا امن هست هر کی توی خونه اش بمونه امن هست، هر کی توی خونه ی ابوسفیان بره اونم در امان هست.

آقا حالا این همه خونه چرا خونه ابوسفیان؟!

چون کله اش کار میکنه، خب، میدونه کجا رو باید خانه ی امنیت بکنه تا دل مردم مکه اگر سنگ هم هست به پیغمبر مایل بشه.

باباچقد دیگه رأفت به خرج میده ای!

بارها من(استاد)گفتم،تصور بعضیا اینه که پیغمبر میومد با مردم میگفت: مردم بنشینید، شما شکل اول قیاس رو که میدونید چیه؟ موجب بودن صغری و کلیت کبری... ببین شما انسانی درسته؟ اره و هر انسانی فطرت پرستش دارد پس شما فطرت پرستش داری اگر قبول نداری بگو درمورد شریعت بگم....

پیغمبر اینجوری با مردم حرف میزده؟ نه، پیغمبر میومد توی کوچه راه میرفت بعد بعضیا میگفتن "چقد مهربون راه میره". بعضیا بهش سلام میکردند انقد گرم جواب میداد که میگفتن چیکار کنیم با تو باشیم؟ پیامبر میگفت بگید " لا اله الا الله تفلحوا "

نمیخوام بگم همه به این راحتی ایمان میاوردن اما ما هر چی داستان از صدر اسلام میخونیم مقدمه همه اش اینه که اینا یه جا به پیغمبر رسیدن دلشون هری ریخته و گفتن بابا این دیگه کیه چقدر مهربونه.

قران میگه: " فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ "همون چیزی که ما امروز نداریم. کلا عصبانی، خشن و تند اسمش هم گذاشتیم ما آتش به اختیلریم.

حضرت آقا بنده خدا دید دیگه فایده نداره باید خودش تفسیر کنه : ببینید عزیزان من آتش به اختیار، عزیزان کم فهم، عزیزان دیابت فوقانی، عزیزان بهانه دست طرف مقابل ندهید، کله تون رو به کار بندازید، به مغزتون خمس تعلق نمیگیره، این مخ آکبنده استفاده کنید عزیزان فرزندان من. این تعبیر عبارات آقاست به زبان غلامیش اینجوری میشه.

خیلی خوب شده دیگه ما تهشیم !!هم خودش(رهبر) باید بگه هم خودش باید تفسیر کنه. دلیل تفسیر هم اینه که یه چی میگه یه جوری استفاده میکنیم میگه من اینو گفتم الان؟!

مگه شما اینو نگفتید؟ (ماها)

دوباره میگن من اینو نگفتم من اونو گفتم حالا ببین باز چیکار میکنیم ۶ماه دیگه بگیم مگه اینو نگفتید.....

دارم فکر میکنم که این کفاره ایی که آقا بابت داشتن ماها در این دنیا میپردازند باعث خواهد شد که در قیامت بگن: خواهش میکنم شما که با داشتن حزب اللهی ها هیچ گناهی برات نمونده بیا برو شما، این دیونه هایی که ما داریم میبینیم در دنیا " خونی که در رگ ماست هدیه به رهبر ماست" همه گناه های شما رو پاک کردن هیچ، یه چیزی هم روش دادن انقد که بچه خوشحال امثال من زیادن.

نحوه ی برخورد با دشمن چطور باید باشه؟ امروز ما قراره برا برخورد با دنیا ابزارمون چی باشه؟

برای تقریب مذهب چیکار باید کنیم؟ آیا راهش اینه؟ بعد بعضی جاها اسم اینو میذاریم...

یه خاطره بگم شاید بعضیاتون نشنیده باشید: وقتی مرحوم شهید رجایی رای آورد یکی از رؤسای جمهوری که به او تبریک گفت فرانسوا میتران بود رییس جمهور فرانسه. شهید رجایی اینجا برمیگرده به مرحوم گل آقا میگه که آقای کیومرث صابری منکه از این ادبیات و اینا چیزی حالیم نیس(حالا نقل بنده اینجور هست)یه چیز خوبی بردار شما بنویس ما به این میتران بگیم.

کیومرث هم حسابی حزب اللهی، میزنه خاکشیر میکنه فرانسوا میتران رو. فلان فلان شده تبریک میگی؟! تو آدمی؟! کلی بدو بیراه مینویسه شهید رجایی هم میگه همین خوبه حزب اللهی هست بده امضا کنم. امضا میکنن و پیام تبریک طرف رو با خاکشیر جواب میدن بعد که جواب میدن امام شهید رجایی رو میبینن میگن آقای رجایی این چه جور جوابی بود که شما دادین؟! توقع داشت امام بگه دمت گرم همین درسته بفهمن با کی طرفن فلان و اینا اما امام میگن نه، من یه جایگاه دارم شما یه جایگاه، شما وظیفه تون اینه که

یه کسی به شما تبریک گفته شما با ادب و احترام از او تشکر کنید. رجایی میگه باشه. خدا رحمت کنه شهید رو، میگن چه گیری کردیما...

اومدم سراغ کیومرث صابری گفتم مرد حسابی این چی بود نوشتی؟! صابری گفت نه خیلی هم خوب بود. رجایی میگه نه امام اینارو گفت. خب دیگه حزب اللهی نیست امام. نقل امروز ما، نه آقا دیگه حزب اللهی نیست جذب شده انگشتر بنفش دستش میکنه. آاااقاااا

شهید رجایی میگه کیومرث صابری هم موضع گرفت یعنی چی امام اینارو گفته! مثلا غصه اش شد. بعدش من امام رو دیدم گفتم آقا ما چیکار کنیم؟! شما میگید اینجوری نباشه حالا مشاور ما..

امام گفتن هم اون راست میگه هم من درست میگم. اینکه کدوم حرف کجا و توسط کی. گاهی اوقات ما یه کله خشکی هایی میبینیم بعضیاش احمقانه بودنش آشکاره. اینکه ما حمله بکنیم به یه سفارت خانه، این احمقانه است چه سفارت انگلیس باشه چه سفارت عربستان. این حماقت توش موج میزنه نیاز به توضیح نداره. اما یه وقتایی یه کارهایی میکنیم، ببینید، گاهی اوقات داره یه اتفاقی در یه جای دنیا میفته مثلا یه جایی از دنیا به یه مناسبتی عزادار میشن بعد ما میریم جلوی سفارتشون شیرینی پخش میکنیم. یه وقت بحث برائته، پای برائت بیفته ما اشدا علی الکفار باید بشیم مطلقا تعارف بردار نیس اما یه کاری که واجب نیست نه واجبه نه مستحبه، هیچ متنی هم نیومده که ما بریم یه کشور خارجی که به یه مناسبتی عزادار شده ما خوشحالی کنیم اون کشور رو تحریک کنیم که اگر در یه جایی یه قطع نامه ایی چیزی بود حتما علیه ما نظر بده. برا چی اینکارو میکنیم؟

توی برخورد الان با اهل سنت، شما ببینید معلوم شد که برخی از این چهار پنج تا ترقه بازی که اومده بودن تهران، برا یکی از شهرهای ایران بودن. یه سری نادان در فضای مجازی شروع کردن به اون شهر و مردم اون شهر توهین کردن، این چه حرفیه، با کدوم عقل شما به اینجا رسیدید!!! خب دیدید الحمدالله یه عقلانیتی کردند چنتا جوان بلند شدند رفتند اون شهر مثلا با امام جمعه اون شهر افطاری خوردن. بابا واقعا یه کارایی آدما میکنن من هرچی میخوام احتمال بدم این کار ناشی از نفهمی و بی عقلی است، نفهمی و بی عقلی به یه جایی که میرسه دیگه اسم نداره از اون جا به بعد این غرض است اینجور هدف دار خراب کردن. نمونه اش توی همین جشن های شناگله و مناگله در ایام ربیع و ایناست. همه ی دنیا رو، کلی خاطر مردم دنیا رو علیه ما مکدر میکنن که ما میخواییم عید بگیریم. شما الان حاضری ۵ دقیقه به جهت تاریخی با هم حرف بزنیم؟ ۲تا آیه قران رو گوش کنی حاضری؟ حاضری به جهت تاریخی بگی ماه ربیع چه اتفاقی افتاده؟

اینا تقوا میخواد. امام تقوا داشت که اول انقلاب گفت: ۱۲ ربیع تا ۱۷ ربیع هفته وحدت.

ما بزنیم به تیپ و تاپ اهل سنت کی خیرشو میبره؟ واقعا الان این مطلب پیچیده ایبه؟ نیاز به مطالعات زیر بنایی داره؟!

نحوه ی برخورد با دشمنان ما اونی بدخواه ماست، اینا نیاز به تقوا داره. تقوا نداشته باشی بخوای با محاسبات سیاسی پیش بری یه کلاهی سرت میزارن که از سر انگشتای پات ۳متر روی زمین پهن شه یعنی دو روز

باید این کلاه رو بکشی تا برسه به بدنت چون رو زمین پهن شده مثل لباس عروسای قدیم که ۷-۸ نفر پشت سرت میاوردن.

شما اونی که نجاتت میده در برخورد با دشمن تقواست یعنی نگاهت به یه جای دیگه ایی باشه و الا میبازی. نمونه اش رو بخوام عرض کنم سال بعد از حادثه ۱۱سپتامبر سال ۸۰ اتفاق افتاد. امریکایی ها عصبانی، خب دولت ما به درستی پیام تسلیت داد به هر حال چند هزار نفر از مردم امریکا کشته شده بودند. امریکایی ها گفتند ما میخواییم افغانستان را بزنیم نیاز به فضای هوایی کشورها داریم ایران هم باید تحویل بده، از ترکیه میخواییم بریم افغانستان را بزنیم ایران باید تسلیم بشه. دولت دید الان امریکایی ها عصبانی هستند، برج ها هم ریخته، بوش هم عقل درست حسابی نداره، چیکار کنیم!! واقعا حرف جدی بود. آقا کوتاه بیایین الان امریکایی ها عصبانی هستند یه چیزی بگیم خراب کاری میشه. حضرت آقا یه سخنرانی کردند فرمودند: ما در هیچ مبارزه ای علیه تروریسم با آمریکا همکاری نمیکنیم چون امریکا رو نه صادق میدانیم نه صالح تمام.

امریکایی ها چیکار کردند؟ هرغلطی که قبلش کرده بودند اون موقع هم کردند.

یه جا باید تصمیم بگیره یه نفر، او باید با تقوا تصمیم بگیرد، محاسبه ی سیاسی کند: (کسی که با محاسبه سیاسی عمل کند اینارو میگه)ما باید اینکار رو بکنیم بعد با امریکایی ها اینجوری کنیم بعد اونا بعد ما بعد بوش افغانستان رو که گرفت ما بگیم دیدی ما کمک کردیم بعد اون میگه فلان و اینا جور میشه. اصلا این نیاز به تقوا ندارد نیاز به عقل داره چون ما قبلا این راه رو طی کرده بودیم سر جریان گروگان گیری دهه ی ۹۰ توی لبنان، گروگان های امریکایی رو از لبنان نجات دادیم که بعد به ما امکانات بدهن، چه امکاناتی به ما دادند؟!!! یه سری فحش و اینا نثار ما کردند و خداحافظ شما. خاطرات آقای هاشمی رو بخونید، خدا رحمتش کنه.

" اتق الله" ازخدا پروا کن وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ " از کفار و منافقین هم پیغمبر اطاعت و تبعیت نکن.

چرا؟

۴تا نکته رو اشاره کنم:

۱- چرا خدا به پیامبر میگه "وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ "؟ اصلا اینارو برا چی گفته؟ از کجا اومده این حرفا؟ بنا به نقلی کفار اومدن سراغ پیغمبر که حالا توی بحث روایی هم بهش اشاره شده، چنتاشون از مکه بلند شدند اومدن مدینه رفتن خونه ی عبدالله بن عُبَی (رئیس منافقین مدینه) این آدم قرار بود قبل از این که حضرت تشریف بیارن مدینه، بشه حاکم مدینه، توافق کرده بودن برا دعوا اوس و خضرج تموم بشه این بشه حاکم. حضرت که تشریف اوردن بساط این چیده شد و این شد سردسته ی منافقین و تا آخر به خباثت خودش ادامه داد و کوتاه نیامد.

این عبدالله بن عبی شد میزبان، حالا اونایی که اومدن کیا بودن؟ ابوسفیان و کسای دیگه کیا بااین همراه شدند انگار ۵-۶نفر شدند. ۳ نفر از کفار مکه ۳نفر از منافقین مدینه قبل هم از پیامبر امان نامه گرفتن اینا با امان نامه اومدن مدینه و با واسطه گری عبدالله بن عبی وقت گرفتن اومدن خدمت پیامبر.

اونجا پیشنهادشون به پیامبر نازنین ما این بود که آقا جون شما دست از سر بت های ما بردار. چیکار داری میگی " لات " فلانه " هبل "فلانه " عزی " فلانه. ما کار داریم به تو؟ تو هم به ما کار نداشته باش ما هم متقابلا کاری به کار تو نداریم. همون عیسی به دین خود موسی به دین خودمونه دیگه. شما کار خودتو بکن ما کار خودمونو. هی چرا میگی اینا شفی نمیتونن باشن؟

خب دلیل هم داشت وقتی اینا زیرآب شفاعت خدایان پوشالی اینا خورده میشد برا اینها هم ضرر اقتصادی داشت چون دیگه نذورات هم نمیاوردن هم ضرر سیاسی داشت محوریت قریش و بت هاش از بین میرفت و الی اخر...

اومدن انقد پیامبر عصبانی شدند اما چون اینها امان داشتند و اینها، گفت بلند شید برید دنبال کارتون.

خب پس چرا آیه قران به پیامبر میگه " لا تتع " اگر پیامبر تبعیت نکرده که چه نیازی به گفتن خدا بوده؟ پاسخ چیه؟

سوال اینه : پیامبر زد کاسه کوزه ی اینارو بهم زد چرا خدا میگه " لا تتع "؟ تبعیت نکرده دیگه چه نیازی به گفتن بوده؟

(اینجا چنتا از شاگردان پاسخ میدن که صدا در ضبط نیست و پاسخ اشتباه بوده)

کفار که میگن، منافقین خیلی ادامه میدن که آقا شما بپذیر، یه قدم اونا یه قدم شما بالاخره مذاکره همینه هر دو طرف باید کوتاه بیایین ولی اینم نیست(جواب این توضیح هم نیست)

سوال اینه که اگر پیامبر کوتاه نیامده خدا برا چی میگه ؟

(پاسخ اصلی اینه) هر نهیی لازمه اش تحقق پیشینی یا پسینی ندارد. یعنی هر چه که به پیامبر گفتن انجام نده یعنی پیامبر انجام داده یا میخواسته انجام بده؟ مثلا خدا به پیامبر میگه "چیزی از جانب خودت به ما نسبت بدی چنین و چنانت میکنیم " مگه پیامبر قصد داشته چیزی نسبت بده؟ نه، پس خدا برا چی گفته ؟ داره اهمیت قران و وحی رو میگه و اینکه در بحث وحی و قران خدا با پیامبر ما که اشرف کائنات هم است شوخی ندارد.

حالا اینجا خدا برا چی میگه با اینکه پیامبر اهلش نبوده؟ چون میرسیم به حرف بزرگوار(شاگردی که جواب درست داد) خدا داره قاعده درست میکنه. عدم اطاعت از کفار و منافقین اختصاص به پیغمبر ندارد حالا شما توی محله تون با چهارتا کافر مثلا همسایه ایی به حرف اینا گوش بکنی انچه به شما توصیه میکنند انجام

بدید؟! این شان نزولش که احتمالا پیشنهاد کفار بوده اگر چه ممکنه نظرات دیگر هم بوده باشد اما این بیشتر در تفاسیر بوده.

س:

پاسخ: نه، نه، ابوسفیان با دونفر دیگه از مکه اومدند مهمان عبدالله بن ابی بودند خب؛ بعد اون سه نفر با این سه نفر شش نفری با هم بلند شدند رفتند خانه حضرت. اونجا پیشنهاد کردند، کفار مکه پیشنهاد کردند یعنی ابوسفیان و اون دو نفر دیگه، اون سه نفر دیگه یعنی عبدالله بن ابی و دو نفر دیگه بیشتر دور گرم کن بودند خب، گفتند شما دست از خدایان ما بردار اینقدر به خدایان ما گیر نده ما هم متقابلا چیکار می کنیم؟! به خدای احد و واحد تو کار نداریم، تو کوتاه بیا ما هم کوتاه میایم؛ قضیه این بود. اینها که گفتن؛ خب حالا اونجا داره که برخی ها این طور میگنکه یکی از خلفا اونجا بود به حضرت گفت بلند شم اینها رو با شمشیر بزنم؟ حضرت فرمودند: نه دیگه امان نامه دادیم نمیشه اینطوری برخورد کرد؛ ولی اینکه این سه تا منافق...، همیشه همین جوره دیگه مثلا فرض بفرمایید که یه کسی یه پیشنهادی میده بعد مثلا تو خانواده یه نفر میگه نه بعد اون فرد اگه کسی رو اینجا داشته باشه حالا بلا تشبیه بلا تشبیه مثلا فرض کنید یه خواستگاری میاد مثلا پسر خاله ی شماست؛ پدرتون میگه مطلقا نه. بعد که میره مادر خانواده شروع میکنن کم کم موضوع رو به سمت شدن حالا خدا نکرده مقایسه نکردیم مادر منافق، پسر خاله کفار قریش اینها، میخوام بگم اینکه اینها کار چاق کنی می کردند و چون تو مدینه بودند دم گوش پیغمبر هی می گفتند: آقا قبول کن دیگه... همش جنگ میشه فلان... این آدمهایی هستند که کلا فعالن در قسمت اطراف گوش و اینها مثل پشه زززز تو گوشند، هی میگن... آقا الان گفتن دیگه ما هم جواب دادیم، نه اگه نپذیریم این میشه، این میشه.. بعد گرفتار میشیم... اینجور میشه، اونجور میشه... من تشخیصم اینه دیگه تمامش کنید. این منافقین هی می دمیدند که آقا قبول کن.

پاسخ به سوال: نه اون موقع اونقدر حفاظت اطلاعات و اینها به شدت امروز نبوده لذا حضرت هم که می خواستند با اینها دیدار کنند تنها نبودند، چند نفر پیش حضرت بودند.

پاسخ به سوال: شان نزول قبل از آیه واقع می شود یعنی اون اتفاق میفته بعد آیه نازل میشه.

پاسخ به سوال: نه اصلا بحث صلح نیست؛ اون صلح حدیبیه رو میگین؟ ! نه اون اصلا برای چند سال بعده پیامبر اصلا تو اون اطاعت نکرد تشخیص خود حضرت بود.

پاسخ به سوال: منافقین چون تو مدینه بودند و تظاهر به کفر هم نمی کردند پیغمبر نمی تونستند قصاص قبل از جنایت کنند لذا اینها رو تحمل می کردند؛ تا زمانی که جریان مسجد ضرار پیش آمد و بعد آیه می فرماید: اگه اینها تموم نکنند باهاشون باید برخورد کنی و الا منافقین تا آخر خار چشم بودند. البته خیلی هاشون تصفیه شدند این وسطها اما بعضی هاشون تا آخر حیات پیغمبر بودند و سقیفه هم که اتفاق افتاد که دیگه اوج هنر نماییشون بود.

۲- حیطه ی منع اطاعت و پذیرش. خب ای پیغمبر وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ ؛ از کفار و منافقین اطاعت و تبعیت نکن، در چی؟! چجوری؟! از کدوم سمت؟!

به عبارتی سوال رو دقت کنید یعنی کفار و منافقین حق ندارند به پیغمبر چیزی بگن و امری بکنند یا پیغمبر اگر اونها امری کردند حق نداره بپذیره؟ بحث فاعلی هست یا قابلی؟ !

ما یک فاعل داریم یک قابل. یک فرستنده داریم و یک گیرنده؛ مثلا من الان یه بحثی رو میگم بعد شما میگین ما متوجه نشدیم، میگم کیا متوجه نشدند؟ همه میگن ما متوجه نشدیم. میگم خودتون کمه، فهمتون کمه دقت کنید؛ اینجا شما میگین چه حرفیه داری می زنی؟ !ما هیچ کدوممون متوجه نشدیم پس معلومه گیر از خودته. این ضعف فاعلیه ضعف از فرستنده است. اما من یه موقع مطلب رو میگم همه متوجه میشن فقط ایشون (یه نفر)متوجه نمیشن بعد میگم بابا من بد نگفتم بقیه متوجه شدن ایشون میگن خیر؛ من میگم خانوم ضعف قابلیه ضعف از گیرنده است از فرستنده نیست. حالا سوال اینه آیا فاعل یعنی کفار و منافقین حق ندارند چیزی رو به پیغمبر امر کنند یا حتی مسلمانان با امر به پیغمبر بگن فلان کار انجام بده این فاعلیه یا قابلیه؟ یا پیغمبر حق ندارد امر و پیشنهاد و حرف آن ها را بپذیرد؟

قابلی هست چون پیغمبر حق ندارد بپذیرد و فاعلی هم هست زیرا کفار و منافقین حق امر و نهی به پیغمبر ندارند. کفار و منافقین گوش بدهند یا ندهند ما باید دستور خود را بدهیم که شما به چه حقی اینجا آمده اید و به پیغمبر امر و نهی می کنید؟ پیغمبر از قبل حرف خود را به شما گفته است. (مسائل امروزی کشور: کسی جاسوسی کرده و طبق قوانین کشور او را دستگیر کردیم دبیر کل سازمان ملل نامه می نویسد. شما در کدام قسمت پیاز واقع شدید؟ خاصیت مستکبر همین است یه لبخند بزنی میگه اون زبون کوچیکه تو میخوام. همه جای دنیا مجرمان علیه امنیت ملی را دستگیر میکنند و با آن ها برخورد می کنند. آیا دبیر کل سازمان ملل که در این مورد نامه می نویسد درباره ی یمن و عربستان هم حرف میزند یا در حال روزه ی سکوت است؟ .... آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا وَاذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيراً!!!

این که قرآن را بفهمید قرآن کتاب زندگی است یعنی همین. این جمله ناظر به کدام دولت است؟ همه ی دولت های جمهوری اسلامی. از اول انقلاب همین بوده. جنگ که شروع شد و صدام حمله کرد همه لالِ لال بودند. ما که زدیم و خرمشهر را آزاد کردیم و جلو رفتیم همه ی جای دنیا جلو آمدند و گفتند صلح کنیم. خاصیت کفار و منافقین همین است. آیا این به معنی این است که ما جنگ بکنیم؟ اصلا. برخورد با دشمن تدبیر عاقلانه میخواهد. ما الان با کجای دنیا جنگ داریم؟ ما با آمریکا دعوا نداریم. چه کسی با آمریکا قطع ارتباط کرد؟ آن ها قطع ارتباط کردند. چرا؟ چون ما سفارت آن ها را گرفتیم. چرا شاه را پناه دادند؟ گفتیم ما با شما دعوا نداریم این آقا اینجا جرم انجام داده باید برگردد به کشور و جواب بدهد. گفتند این آقا اومده اینجا برای معالجه. تنها بیمارستان دنیا در کشور شماست؟ به شما چه ربطی دارد؟ شاه به کشورهای مختلف اروپایی درخواست داد که او را بپذیرند و هیچ کدام قبول نکردند. همه ی دنیا می دانستند پناه دادن به کسی که این همه جنایت انجام داده به معنای اعلان جنگ با آن کشور است. ما که سفارت را گرفتیم

گفتیم با آدم های شما کاری نداریم شاه رو تحویل بدید تا این آدم ها رو تحویل بدیم که قبول نکردند و با ایران قطع ارتباط کردند. شمایید که دائما ما را تحریم می کنید.

حیطه ی منع اطاعت و پذیرش دوطرفه است یعنی شما باید کاری بکنید که طرف مقابل احساس کند که حق امر و نهی به شما ندارد.

ما در کشور خودمان زندگی می کنیم از اون طرف دنیا امر و نهی می کنند، مثال فراوان است نمونه ی واضح آن کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان است. ۱۹۷۹ تصویب شده و آمریکا مدام فشار می آورد که ایران این را نپذیرفته و حقوق زن را رعایت نمی کند. خود آمریکا در چه سالی به این کنوانسیون پیوسته؟ هیچ سالی. آمریکا به این کنوانسیون نپیوسته است. وقتی آمریکا می آید و کشوری را که زن ها بعضا در آن شناسنامه ندارند گواهینامه ی رانندگی که به کنار، رئیس کمیته ی زنان شورای حقوق بشر سازمان ملل می کند. الان عربستان رئیس کمیته ی زنان شورای حقوق بشر سازمان ملل است.

لاتطع الکافرین نه تو بپذیری، حرف زدند بگو حرف بی خودی نزنید و نه آن ها حق دارند حرفی بزنند. باید ببینیم این که آن ها حرف می زنند زمینه ی این صحبت را چه کسی فراهم می کند؟ نه آقا درگیر بشیم حالمون گرفته می شه. یه خاطرخ کوچیک بگم رد شیم:

می کونوس چی بود؟ اسم یه منطقه ای است. آلمان ها رهبر و رئیس جمهور و وزیر خارجه و وزیر اطلاعات ما را بخاطر کشته شدن چند نفر در می کونوس محکوم کردند، که کشته شدن آن ها توسط ایران صورت گرفته. آلمان ها گفتند ما به علامت اعتراض ایران را ترک می کنیم (سفیر آلمان و سفارت خانه) فرانسه هم گفت بله بله آلمان ایران را ترک می کند ما هم ترک می کنیم، اروپایی های دیگر هم گفتند اگر آلمان و فرانسه ایران را ترک کنند ما هم می رویم. ما چیزی نگفتیم و همه با هم از ایران رفتند. مدتی بعد پیغام دادند که میخواهیم برگردیم. اولا این که یکی یکی برمی گردید و آلمان آخر از همه و فرانسه هم قبل از آلمان بر می گردند.

کار کافر و منافق تحقیر است. حتی با خودشان هم اینگونه اند.

جنگ جهانی اول که داشت شروع میشد تزار روسیه به آلمان آدم فرستاد (بیسمارک در آلمان حاکم بود. بیسمارک معروف بود به امپراتور آهنین) که با بیسمارک مذاکره کنید تا جنگ صورت نگیرد. آلمانی ها به تیم تزار می گویند لباسی که ما می گوییم را باید شما بپوشید. لباس دامن مانند که شبیه لباس اسکاتلند قرن ۱۴-۱۵ بود. آلمانی ها به روسی ها رحم نمی کنند. سفرای روسیه به تزار پیغام میدهند که این لباس شبیه لباس زن هاست بپوشیم یا نه؟ تزار می گوید اگر با این کار از جنگ جلوگیری می شود انجام بدهید.

خاصیت کافر و منافق این است که اگر بتواند تو را تحقیر می کند. تو باید زرنگ باشی واجازه ندهی. اجازه ندادن به معنای جنگ کردن نیست. خودت را از موضع قدرت پایین نیاور و در زمین دشمن بازی نکن.

اگر کسی که جرم کرده و بخواهد در کشوری پناهنده شود آن کشور نباید بپذیرد در این صورت هر کسی جرم می کند و پناهنده می شود. در سیستم حقوق بین الملل زمان مشروطه به این شکل بود که اگر کسی در تهران به سفارت خانه ی کشوری می رفت، در آن زمان شاه ایران دربرابر سفارت روسیه و انگلستان قدرت و اختیاری نداشت، میگفتند بیا زیر پرچم ما و ما همه طور تو را حفظ می کنیم. الان هم همینطور است؟ اگر کسی جرم کند و بگوید به سفارت روسیه پناهنده می شوم، ما از سفارت می خواهیم که او را تحویل بدهد. چون دولت ضعیف بود آن ها می توانستند با پرچم خود در کشور ما هر کاری که می خواستند انجام بدهند و الا ما همچین قانونی نداریم. الان هم کسی اگر به کشور دیگری پناهنده شود پلیس بین الملل (اینترپل) صرف مهاجرت پیگرد و تعقیب را ادامه می دهد. ولی متأسفانه کار به جایی کشیده که آقای خاوری از ایران به کانادا می رود ما می گوییم این آدم مجرم اقتصادی است آن ها می گویند نه هر مجرمی که از ایران می آید مجرم سیاسی است و به همین خاطر است که مجرمین ما را مسترد نمی کنند.

س:

پ: ذیل سوره ی حجرات نوع صحبت کردن با حاکم اسلامی باید به چه صورت باشد؟ امیرالمؤمنین می فرماید نصیحت بکنید در مشهد و مغیب. شما بخواهید کسی را نصیحت کنید سرش داد می زنید؟ در جمع نصیحت می کنید؟ ندانسته می گویید؟

حالات محتمل در پیشنهاد:

گاهی اوقات کفار پیشنهادی می دهند که مثلا این کار بشود، بعضی اوقات هم منافقین دورنگ و دو روی مدینه که در زیر پرچم اسلام زندگی می کنند اما قلبشان با پیغمبر نیست پیشنهادی می دهند. هر دو حالت محتمل است.

حالت دوم این است که کفار و منافقین باهم یک پیشنهادی را بدهند.

حالت سوم این است که یک گروه پیشنهاد می دهد و گروه دیگرشروع به تأیید و تأکید کردن پیشنهاد می کنند. (به ما می گویند به حرف مخالفین عمل کنید. سوال: اگر عمل کردیم و کشور دچار هزینه شد چه کسی پاسخگو خواهد بود؟ در مناظره ی با اقای زیباکلام گفتم که آقای زیباکلام سال ۵۸ که لانه ی جاسوسی را اشغال کردند نظر شما درباره ی این اقدام چه بود؟ ایشان گفتند که من نامه ای نوشتم که بنده موافقم. پرسیدم که شما سال ۵۸ گفتی که من موافقم الان در سال ۹۲ می گویی که من مخالفم، حالا اگر در سال ۱۴۰۲ گفتی که نظر من در سال ۹۲ غلط بود تکلیف ما که سرنوشت خود را به شما دادیم چه می شود؟و سوال دوم که شما سال ۵۸ حق داشتی اشتباه کنی که در سال ۹۲ می گویی از اشتباه خود برگشتم چرا ما حق نداریم اشتباه کنیم؟ جنگ کویت (۲۷ سال قبل) عراق به کویت حمله کرد و ۶ ساعته آن جا را اشغال کرد و آمریکایی ها سر رسیدند و همان موقع جنگ بالکان هم بود. در بوسنی هرزه گوین اتفاقاتی می افتاد که از گفتنش شرم داریم.به وزیر خارجه ی آمریکا گفتند الان که در این جنگ ورود کردید چرا در جنگ بوسنی هرزگوین ورود نمی کنید؟ گفت که ما در آنجا منافعی نداریم. کویت گلوله ی نفت است. در

ایران آقای محتشمی پور که الان در مجمع روحانیون هستند بلند شدند و به مجلس آمدند و گفتند که ما باید سپاه را به کویت که در کنار صدام با آمریکا بجنگند. الان صدام حکم خالدبن ولید را دارد و سیف الاسلام است. الان اگر ما به حرف این آدم گوش می دادیم چه بلایی سر این مملکت می آمد؟ در این صورت ما بهانه را میدادیم به آمریکا که بتواند به ما حمله کند. همین آقایانی که الان ما را از جنگ می ترسانند.

حضرت آقا فرمودند که اللهم اشغل الظالمین بظالمین وجعلنا بینهم سالمین... این جنگ جنگ نفت است.

حالا اگر ما نیروهای خود را می فرستادیم که تحت فرماندهی صدام با آمریکا بجنگند. شهدای ما شهدای چه راهی بودند؟

انقلاب که شد یک عده ای گفتند ما هواپیما لازم نداریم این هواپیما ها را بدهید برود. خدارحمت کند شهید بابایی و امثال ایشان را که مانع این اقدام شدند. در غیر این صورت صدام چند روزه ایران را اشغال می کرد؟ ما با همین هواپیماها توانستیم جواب حملات صدام را بدهیم و نفت کش های خود را حفظ کنیم. نمیگوییم هواپیما ما را حفظ کرد نخیر خدا ما را حفظ کرد اما برا ی این حفظ نیاز به ابزار هست. بعد از جنگ گفتند ما نیاز به موشک نداریم و ادامه ی فعالیت های موشکی را متوقف کنید. اگر حضرت آقا سال ۶۸ به حرف آن ها گوش می داد و به امثال شهید تهرانی مقدم می گفت که الان زمان گفتگو و مذاکره است و نیازی به موشک نیست الان چه بلایی بر سر ما می آمد؟

ما در حالات محتمل پیشنهادات گاهی چیزهایی را در کشور می بینیم که آدم حیران می شود، ۱۲۷ نماینده به رهبر نامه می نویسند که تو جام زهر را بنوش. که امام جام زهر را نوشید عزیز شد تو هم این کار را بکن. جام زهر چیست؟ کوتاه بیا در برابر آمریکا. این چنین ترس از آمریکا که واقعا اگر یک دهم این نگاه را ما در کشور داشتیم و امام میداشت اصلا نباید انقلاب می کردیم.

س:

پ: شما یه وقت می پرسید اداره ی این کلاس با چه کسی است؟ من می گویم یک بخش از آن بر عهده ی من است و بخشی بر عهده ی شما، من سوره را انتخاب می کنم، مطالب را آماده میکنم و پاورپوینت می آورم و درباره ی ساعت هم توافق می کنیم. جای کلاس و پذیرایی و... با شما. شما در غیاب من کسی را انتخاب می کنید که این وظایف را انجام بدهد. کسی که توانمند است و چندین بار این کار را انجام داده می گوید من این مسؤلیت را انجام بدهم؟ شما می گویید نه ما از تو خوشمان نمی آید. کسی را سر کار می گذارید که کار بلد نیست. مثال واضح: موشک سخت تر و پیچیده تر است یا ماشین؟ ما از قبل انقلاب در حال ساخت ماشین بودیم. وضع خودرو سازی را با موشک سازی مقایسه کنید. در جایی که یک مدیریت واحد عاقل و بدون قرض و مرض سر کار است جزو قدرت های اول دنیا می شویم. ودر جایی که مدیریت را تقسیم می کنیم این وضع خودرو سازی ما می شود. آیا ما نمیتوانیم در عرصه ی بین الملل رقابت کنیم؟

فرهنگ کشور دست چه کسانی بوده است؟ سازمان تبلیغات مؤثر است، حوزه ی علمیه مؤثر است اما تأثیر مجموعه ی ۲۶ نهادی که شورای عالی انقلاب فرهنگی سال ۸۴ در بحث حجاب مأمور کرد لازم است. شاید

شما بگویید از دولت فقط وزارت فرهنگ است، اتفاقا وزارت اقتصاد، وزارت صنعت معدن تجارت این ها چقدر در بحث حجاب اثر گذار هستند؟ معاونت زنان ریاست جمهوری، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم. اصل حجاب این هاست. بعضی درباره ی حجاب می گویند نیروی انتظامی، حجاب بحث امنیتی است که باید نیروی انتظامی ورود کند؟ این دولت بحث حجاب را به وزارت کشور سپرده است. یعنی از اول موضوع را امنیتی کرده است در حالی که این موضوع مربوط به وزارت فرهنگ است. وزارت فرهنگ مبنا شود و سپس تقسیم کار کند، وزارت اقتصاد موظف است زمینه ی تولید لباس عفیفانه ی ارزان قیمت را فراهم کند و در مالیات گرفتن و امکانات دادن نقش ایفا کند. وزارت صنعت معدن تجارت در صادرات و واردات، وزارت آموزش و پرورش در متن های درسی و معلم ها، وزارت علوم در همین راستا. همه ی این کارها را کنار گذاشتند، چرا؟ چون دولت هایی که من و شما انتخاب می کنیم به این نحو عمل می کنند. این دولت به یک نحو. دولت آقای احمدی نژاد می گفت مشکل مملکت چهار تا تار مو نیست، دولت آقای خاتمی می گفت آزادی، دولت آقای رفسنجانی حالا یه چیزی تنتون بکنید. وقتی نگاه رؤسای جمهور منتخب من و شما به بحث حجاب است توقع دارید که غیر از این اتفاق بیفتد؟

حقیقت اطاعت: اگر کفار و منافقین چیزی گفتند و ما گفتیم چشم په اتفاقی می افتد؟ اتق الله و لا تطع. اقتضای تقوا این است که اطاعت نکنید. اگر اطاعت کنی تقوا نقض می شود.

پنجم. دلیل منع اطاعت: چرا خداوند از اطاعت منع کرده است؟ به چهار نکته اشاره می کنیم

۱. تعلیق حکم بر وصف مشعر بر علیت است. یه موقع یه نفر می آید و می گوید به حرف غلامی گوش نکنید. شما می گویید چرا؟ باید برای شما دلیلی بیاورد. اما یه موقعی می آید و می گوید به حرف این کافر گوش نکنید. دیگه شما نمی گویید چرا؟ پس دلیل این که گوش نکنید کفر اوست.

تعلیق حکم: الان این فرد چه حکمی داد؟ گوش نکردن به من. چه وصفی به من داد؟ کفر. مشعر بر علیت است، علت گوش نکردن همین است که حکم را به صفت موکول کرد. با دادن صفت کافر به من دلیل گوش نکردن به من را تبیین کرد.

در این آیه می فرماید: یا ایهاالنبی اتق الله پرهیز کن ولا تطع الکافرین والمنافقین. وقتی می گوید کافر و منافق را اطاعت نکن، کافر و منافق که قابل اطاعت نیستند.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ به این ها سخت بگیر. پس کافر و منافق به ماهو کافر و منافق قابلیت تبعیت ندارد.

۲. همین آیه می فرماید إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا . در حالی که خداوند علیم و حکیم است و علم و حکمت نزد اوست تو چه دلیلی داری که از کافر و منافق تبعیت کنی؟ تو هر چیزی بخواهی خدای علیم و حکیم دارد و به تو می دهد. تو به خدا وابسته باش همه چیز تأمین است.

۳. آیه ی بعد می فرماید إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است (خبیر با عالم فرق می کند. کسی که خبیر است علم عمیق تری دارد نسبت به کسی که آگاه و عالم است) مراقب باشید که با اطاعت از کفار و منافقین نزد خداوند که متوجه همه چیز است خود را شرمنده نکنید.

۴. در سه آیه بعد می فرماید که مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ. خداوند در درون هیچ کس دو قلب قرار نداده است یعنی محبت به حق با محبت به باطل قابل جمع نیست. نمی شود شما اهل تقوا باشید و از خداوند بترسید و از طرف دیگر با کفار و منافقین باشید. این دو قابل جمع نیستند. خداوند در درون و باطن یک نفر دو قلب قرار نداده است.

ای پیامبر به چهار دلیل حق اطاعت از کفار و منافقین را نداری.

تکمله: منظور شما این است که ما در ایران تمام سفارت خانه ها را تعطیل بکنیم به غیر از عراق و سوریه و چند کشور اسلامی و تمام سفرای خود را از همه ی کشورها به غیر از چند کشور گفته شد برگردانیم؟ به ما گفتند که اهل مشورت باشید. به پیغمبر هم گفتند با مردم چطور باش، و شاورهم فی الامر از مردم مشورت بخواه. اگر مردم مؤمن بودند از آن ها مشورت بگیر اگر غیر مؤمن بودند و ما از آن ها در یک زمینه ای کمک خواستیم آیا این خلاف اسلام است؟ یک کشوری در یک زمینه ای به پیشرفتی رسیده ما از آن استفاده کنیم مثلا پول بدهیم و درخواست آموزش بدهیم، درخواست سرمایه گذاری بدهیم. آیا این ها مذموم است؟ چرا تا می گوییم از کفار اطاعت نکنید یک عده می گویند شما خواهان انزوای کشور هستید؟ کلنگ از آسمان افتاد و نشکست غریب کربلا موسی بن جعفر. این دو چه ربطی به هم دارند؟ ما می گوییم نباید کفار برای ما تعیین تکلیف بکنند ولی در مقابل باید با تمام دنیا در ارتباط باشیم و تا می توانیم از علم آن ها استفاده بکنیم و با ان ها رابطه برقرار بکنیم و نگذاریم حق ما را ضایع کنند. چرا آدم ها را بین صفر و یک قرار می دهید؟ یا باید جلوی آمریکا مطیع باشیم یا این که حمله می کنند. رئیس جمهور قبلی دو روز یک بار یه چیزی نثار آمریکا می کرد، آمریکا چه غلطی کرد؟ ما نمی گوییم با کشورهای دیگر قطع ارتباط کنیم، ما می گوییم این که آن ها بگویند و ما بگوییم چشم این جایگاهی ندارد. به چه دلیلی ما باید چشم بگوییم؟ چرا ما نگوییم و آن ها چشم بگویند؟ چون زور دارند باید حاکم باشند و هرچه می خواهند بگویند؟ ما اگر بتوانیم از یک کشور مستکبر استفاده ای به نفع کشور خود بکنیم باید این کار را انجام بدهیم. پس باب مشورت با متخصصین چه در حوزه ی جامعه ی اسلامی و چه در خارج از این جامعه با کشورهای دیگر چه کفاری که با ما سر جنگ ندارند و چه کشورهایی که با ما سرجنگ دارند ولی با پول میشود با آن ها کار کرد باز است. این چه مغالطه ی اشتباهی است که تا می گوییم لاتطع الکافرین می گویند سایه ی جنگ؟ نکته اینجاست که تا ما به آن ها بگوییم بفرمایید بیشتر و راحت تر حمله می کنند مثل سرنوشت کشورهای دیگر.